



مرکز تحقیقات رایانگی

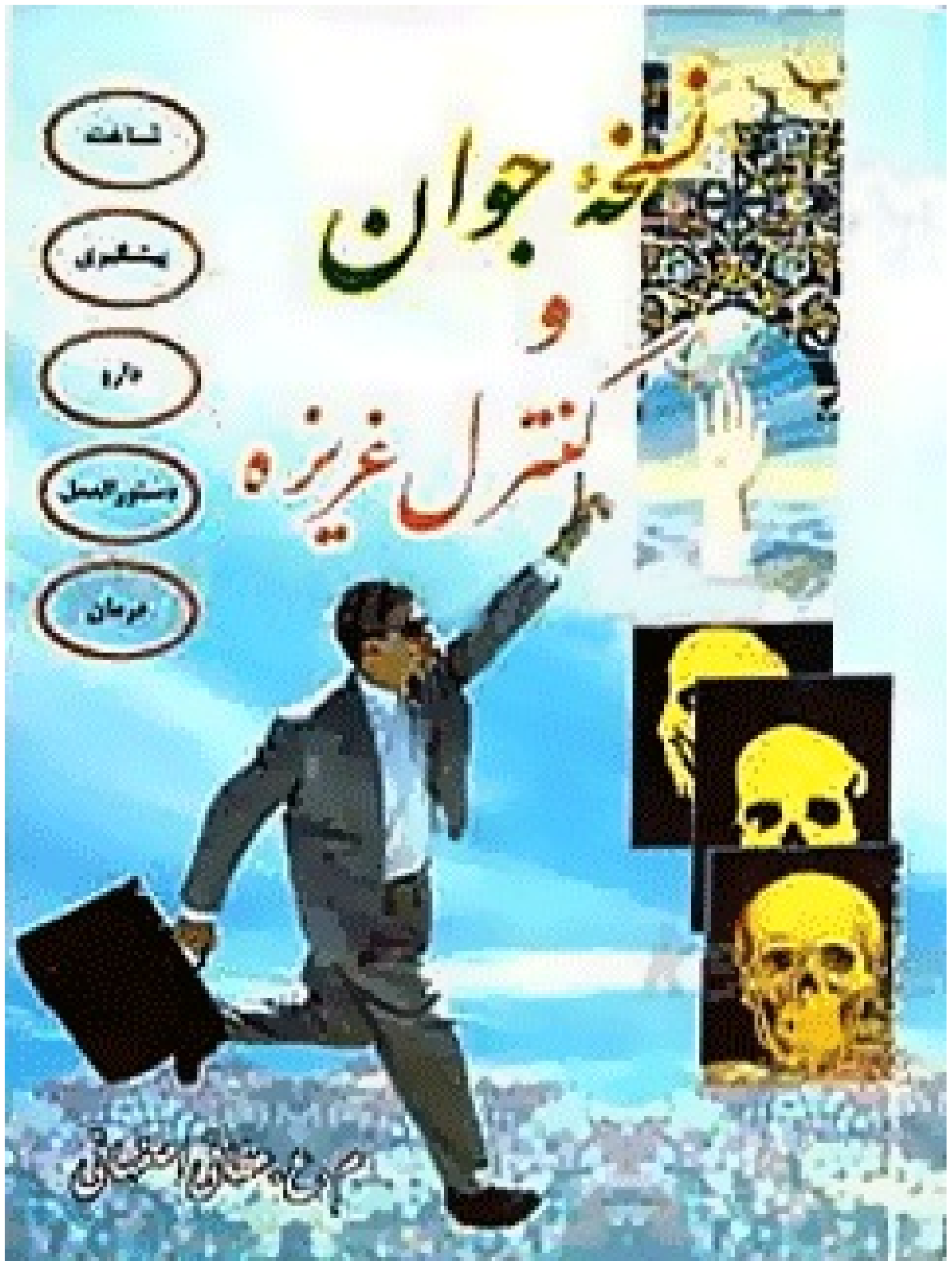
اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# زندگی جوان

## و تلاش

- تلاش
- بهره
- کار
- پشتور
- مردمان



پیشروان و پیروان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نسخه جوان و کنترل غریزه

نویسنده:

علی عطائی اصفهانی

ناشر چاپی:

حضرت عباس علیه السلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

- فهرست ..... ۵
- نسخه جوان و کنترل غریزه ..... ۸
- مشخصات کتاب ..... ۸
- دیدگاه غریبی ها ..... ۸
- پیشگفتار ..... ۸
- پاسخ اجمالی درباره ی پوشش زن ..... ۹
- قابل توجه زنان عاقل، متشخص و با منطق ..... ۱۰
- سفارش پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به پوشیدن شلوار ..... ۱۱
- آیا خواهر زن به شوهر خواهر محرم است؟! ..... ۱۲
- یک قاعده ی کلی و قانون اساسی برای حجاب ..... ۱۳
- بدسلیفگی برخی از خانمها ..... ۱۳
- زنان و خودشناسی ..... ۱۴
- پوشش کامل، انتخاب بهترینها ..... ۱۴
- تعریف و ترسیم از یک بانوی فرهیخته ی مسلمان ..... ۱۴
- چادر و حجاب کامل علامت آزادی و بی حجابی علامت بردگی ..... ۱۴
- چادر؛ تاج افتخار، عزت و شرف بر سر زنان آزاده و با ایمان ..... ۱۷
- کوهان شتر یا شاخ گذاشتن برخی زنان ..... ۱۸
- بی حجابی، دستوراً لعمل استعما رگران ..... ۱۹
- بی حجابی سرطان مسری در پیکر جامعه ی انسانی دینی ..... ۱۹
- این زنان مورد لعن و غضب خداوندند: ..... ۲۰
- یک سؤال از زنان بدحجاب ..... ۲۰
- پیام جوانان و اثر بی حجابی در گسترش گناه ..... ۲۱
- بی حجابی بازگشت به زمان جاهلیت ..... ۲۲

- ۲۴ ..... خانمها خود را در محل اتهام نگذارند
- ۲۴ ..... آنان که می گویند حیا و عفت به حجاب نیست؟! .....
- ۲۴ ..... حیا و عفت در قالب مثال .....
- ۲۵ ..... ارزیابی و قضاوت بر این طرز فکرها .....
- ۲۵ ..... مقایسه ی این مثال با زنان مورد بحث .....
- ۲۶ ..... نتیجه ی کلام .....
- ۲۷ ..... نامه ی یک بانوی مسلمان خارج از کشور .....
- ۲۷ ..... آتش غریزه با تحریک آن خاموش نمی شود .....
- ۲۸ ..... حیا و حجاب کامل، عیوبات رامی پوشاند .....
- ۲۸ ..... زنانی که خود را به شکل مردها درمی آورند .....
- ۲۹ ..... قیافه ی ظاهری و لباس، اولین معرف انسان .....
- ۳۰ ..... لباس جلف و زننده یا وسیله ی عقده گشایی .....
- ۳۰ ..... دقت مرد به حجاب همسرش .....
- ۳۱ ..... گریه ی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) برای زنان امتش .....
- ۳۲ ..... مضرات بی حجایی و بی بند و باری .....
- ۳۲ ..... اشاره .....
- بخش اول: ضررهایی که متوجه عامل و مرتکب آن می شود. بخش دوم: ضررهایی که متوجه جامعه و عموم مردم می گردد. بخش اول نیز به دو قسم
- ۳۳ ..... اما مضرات بخش دوم .....
- ۳۳ ..... برخی از دانستنیها وگفتنیها .....
- ۳۴ ..... برهنگی زن و پر مو شدن بدن او .....
- ۳۵ ..... زنان نیمه عریان و رونق بازار وسایل مصنوعی زیبایی .....
- ۳۶ ..... برهنگی وکاهش حس لامسه .....
- ۳۷ ..... علل و اسباب بدحجایی و بی بند و باری .....
- ۳۸ ..... منشأ همه ی علل و اسباب مفاسداجماعی .....

- بخش پایانی و پاسخ اجمالی به چند سؤال ..... ۳۸
- سؤال ۱- پوشش دختران خردسال ..... ۳۸
- پدر و مادری که شخصیت فرزندشان را لگدمال می کنند ..... ۴۰
- جنس مؤنث در تحریک مرد، کوچک و بزرگ ندارد ..... ۴۰
- سؤال ۲- وضعیت برخی خانمها در مراسم عروسی ..... ۴۱
- سؤال ۳- رقص و رقاصی ..... ۴۲
- یک سؤال مضحک؛ مسخره؛ شیطانی و استعماری ..... ۴۲
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۴۳

## نسخه جوان و کنترل غریزه

## مشخصات کتاب

سرشناسه: عطایی اصفهانی م ع ۱۳۲۷- عنوان و نام پدید آور: نسخه جوان و کنترل غریزه مولف م ع عطائی اصفهانی مشخصات نشر:  
 قم حضرت عباس علیه السلام ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ج. ۱۲×۱۶/۵ س.م. شابک: دوره ۱۱۸۱۵۸۱۱۸: ۹۶۴۸۱۵۸۱۱۸؛ ۳۰۰۰ ریال ج. ۱.  
 ۹۶۴۸۱۵۸۱۳۴؛ ۶۰۰۰ ریال: (ج. ۱، چاپ پنجم) ۶-۱۲-۸۱۵۸-۹۶۴؛ ۶۰۰۰ ریال: (ج. ۲، چاپ پنجم)؛ ۳۰۰۰ ریال: ج. ۲.  
 ۹۶۴۸۱۵۸۱۲۶؛ ۴۰۰۰ ریال ج. ۳: ۴-۹۶۴۸۱۵۸۳۰۴؛ ۴۰۰۰ ریال ج. ۴: ۴-۹۶۴۸۱۵۸۳۱۲؛ ۷۰۰۰ ریال ج. ۵: ۵-۹۶۴۸۱۵۸۳۲۰؛ ۴۰۰۰  
 ریال ج. ۶: ۶-۹۶۴۸۱۵۸۳۳۹؛ ۳۰۰۰ ریال ج. ۱ (چاپ اول) یادداشت: چاپ قبلی سلسبیل ۱۳۸۰ - ۱۳۷۹. یادداشت: ج. ۱ (چاپ  
 چهارم: زمستان ۱۳۸۴). یادداشت: ج. ۱ (چاپ پنجم ۱۳۸۵). یادداشت: ج. ۱ و ۲ (چاپ پنجم: ۱۳۸۵). یادداشت: ج. ۲ (چاپ چهارم  
 ۱۳۸۵). یادداشت: ج. ۳ و ۴ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۵). یادداشت: ج. ۵ و ۶ (چاپ اول: ۱۳۸۵). یادداشت: ج. ۱ (چاپ اول: ۱۳۸۳).  
 یادداشت: کتابنامه. مندرجات: ج. ۱. - ج. ۲. - ج. ۳. ایدز، ارمغان غرب. - ج. ۴. ارتباط دختر و پسر. - ج. ۵. پوشش و حجاب. - ج.  
 ۶. تفاوت همسر موقت با روسپی - موضوع: جوانان و اسلام موضوع: غریزه - جنبه‌های مذهبی - اسلام موضوع: روانشناسی  
 اسلامی رده بندی کنگره: ۱۶۵/۲۳۰/۱۶۵/۵۶۸۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳ شماره کتابشناسی ملی: ۸۵-۸۸۷

## دیدگاه غربی ها

فرانتس فانون جامعه شناس فرانسوی: ... اگر حجاب زن ها را در دست بگیریم، همه چیز به دنبال آن خواهد آمد. ۱ مارگرت  
 مارکوس: ... اگر مقصود از آزادی زنان این است که زنان حق دارند از طریق تحصیل و به کار بردن استعداد و کفایت خود، کسب  
 معیشت کنند تا ضرورت‌های حیات را به دست آورند؛ در این صورت این معنا حق مسلم آنان است. ولی بدبختانه قهرمانان آزادی  
 زنان، اصرار دارند که زنان مسلمان در آمیزش با مردان در اجتماع آزاد باشند و لباس بی عفتی بپوشند. از آنجا که زنان مسلمان باید  
 بدنهای خود را در مجامع عمومی بپوشانند، این مسئله قابل بحث نیست، بلکه ----- ۱. بررسی جامعه شناسی  
 یک انقلاب یا سال پنجم انقلاب الجزایر نوشته ی فرانتس فانون، ترجمه ی دکتر نورعلی تابنده. مدهای تازه ای که برای مقاصد  
 مخالفی طراحی می شوند و مخالف قران و سنت است مورد بحث است. اقتباس از لباسهای غربی روی هم رفته به وسیله ی همه  
 دولتهای (به اصطلاح) اسلامی! رسماً تشویق می شود؛ کشور ترکیه در این باره به قدری افراط کرده است که به موجب قانون،  
 پوشیدن لباس غربی را اجباری کرده است ... و کوشش در از میان بردن نشانه های محسوس مسلمانی و تبدیل کردن آنها به لباس  
 غربی و عادات و رسوم مخالف اسلام نموده است، ۱ وزیر مستعمرات بریتانیا: باید زنان مسلمان را فریب داده، از زیر چادر و عبا  
 بیرون کشید. پس ز آنکه زنان را از چادر و عبا بیرون کردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که به دنبال آنان بیفتند، تا در میان  
 مسلمانان فساد رواج یابد... ۲ ----- ۱- نقش اسلام در برابر غرب، مارگرت مارکوس، صفحه ی ۲۰۱.  
 ۲- اعترافات ۲، تألیف نگارنده، ص ۳۹.

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم قال الله الحكيم في محكم كتابه الكريم: و قل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن ويحفظن فروجهن ولا يبدین  
 زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن ولا یبدین زینتهن... و لا یضربن بارجلهن لیعلم ما یخفین من زینتهن و توبوا إلى



اللّٰه جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون. ۱ ای محمد! به زنان با ایمان بگو چشمانشان را از نامحرم بپوشانند و فروج خویش را از ارتکاب حرام حفظ نمایند و زینت خود را ظاهر ن سازند. سر و گردن و سینه و ..... ۱- سوره ی نور، ایه ۳۱. برجستگی های بدن خود را به وسیله ی مقنعه و چادر بپوشانند... و نیز راه رفتنشان تحریک آمیز نباشد؛ به این صورت که گامها را بر زمین نکوبند و با ایجاد سر و صدا، دیگران را متوجه ن سازند که از زینتهای مخفی آنان آگاه شوند. و شما ای مؤمنین! تمامتان توبه کنید و به جانب خدا باز گردید، شاید رستگار شوید. این آیه از ابعاد مختلف قابل بحث و بررسی است؛ لیکن ما به لحاظ ایجاز و اختصار به فهرست نکات مهم آن بسنده می کنیم. نکات مهم ایه ۱- این آیه زنان با ایمان را مورد خطاب قرار داده؛ یعنی زنی که دستورالعمل این آیه را نادیده بگیرد و نسبت به حجاب و ارتکاب محرمات بی اعتنا باشد، از جرگه ی مؤمنین خارج و از دایره ی ایمان بیرون است. ۲- همانگونه که مردها موظف اند چشمانشان را از نامحرم بپوشانند، زنها نیز موظف و مکلف اند چشمانشان را از نامحرم بپوشانند. ۳- زنان باید از ارتکاب هر نوع عمل منافی با عفت پرهیز نمایند، کما اینکه مردها باید به این وظیفه عمل کنند. ۴- زنان باید زینتهای خود را از دید نامحرم مخفی نمایند، مگر دست تا مچ و صورت در حد ضرورت، نه تا گوش، بناگوش و گردن و سینه و... ۵- زنان باید به وسیله ی مقنعه، چادر، عبا و مانتو تمام برجستگی های بدن خود را کاملاً پنهان کنند. ۶- زنان باید هنگام عبور در مقابل نامحرم به صورت تحریک آمیز راه نروند و با پایکوبی و... توجه به نامحرم را به خود جلب نمایند. ۷- جمله ی آخر آیه امیدوارکننده است؛ زیرا هر انسانی اعم از زن یا مرد، پیر یا جوان به طور مسلم اشتباهاتی در زندگی داشته و دارد و گناهای را مرتکب شده؛ لذا خداوند می فرماید با این دستورالعملها که ما برای مؤمنین صادر کرده ایم، ممکن است زنان یا مردانی باشند که قبل از آگاهی از این آیه گناهای را مرتکب شده اند، اکنون که از این تکلیف الهی آگاه می شوند، نا امید نباشند که چون ما مرتکب این گناه شده ایم، از رحمت و مغفرت خداوند محروم گشته ایم؛ بلکه خداوند ارحم الراحمین است و راه باز گشت بندگان را باز گذاشته؛ لذا می توانند از عملکرد سابق خود اظهار ندامت کرده، توبه و انابه نمایند، از گناه دست بکشند و به خدا نزدیک شوند، شاید رستگار گردند. ۸- و اما اینکه می فرماید شاید رستگار شوید و به طور قطع و مسلم نمی فرماید رستگار خواهید شد؛ می توان گفت از آن رو که رستگاری انسان به وسیله ی انجام تکالیف الهی و وظایف محوله به دست می آید؛ ممکن است انسان از گناهی توبه کند و پس از چند روز مجدداً مرتکب آن گناه شود. یا ممکن است از این گناه توبه کند و گناه دیگری مرتکب شود که جلوی رستگاری او را بگیرد. و یا پس از این توبه نتواند خود را صحیح و سالم و بدون الودگی به مقصد برساند؛ در این صورت رستگار نخواهد شد و آن وقت نمی تواند به خدا اعتراض کند که تو فرمودی اگر توبه کنی قطعاً رستگار می شوی و من توبه کردم چرا رستگار نشدم. پس جوابش این است که اولاً توبه را نشکنی، ثانیاً از همه ی گناهان توبه کنی و گناه کبیره ای در نامه ی اعمال نباشد؛ در آن صورت رستگار خواهی شد. اللّٰهمّ وفقنا بمتحبّ و ترضی

### پاسخ اجمالی درباره ی پوشش زن

اگر چه در جلد چهارم نسخه ی جوان در پاسخ به سؤال ارتباط دختران و پسران، در ضمن مباحث به وضعیت ناهنجار و نامناسب برخی از خانمها اشاره کردیم و از نحوه ی پوشش و قیافه ی جلف و زننده ی آنان گلایه نمودیم؛ لیکن در این جلد از نسخه ی جوان قصد داریم به طور مستقل به مسئله ی حجاب و پوشش زن پردازیم. زیرا از نقاط مختلف درباره ی حجاب زن، کیفیت آن، علت وجوب آن و... سوال شده و درخواست جواب مستند و مستدل نموده اند... از آنجا که کتابها و مقالات بسیار زیادی درباره ی حجاب نوشته شده و مؤلفین و محققین معزز و محترم، زحمتهای فراوان کشیده اند تا این فریضه الهی را به صورت مستند و مستدل بحث و بررسی و در دسترس عموم قرار دهند؛ لذا علاقه مندان را به آن کتابها که شامل ده ها تألیف و تحقیق می باشد ارجاع داده و برای خالی نبودن پرسش از پاسخ، به ارزیابی اجمالی آن بسنده میکنیم. اول اینکه: باید دانسته شود حجاب از ابداعات اسلام

نبوده؛ بلکه در تمام ادیان آسمانی واجب بوده است. دوم اینکه: چون اسلام سرآمد همه ی ادیان آسمانی است و قوانینش کامل‌ترین قوانین است؛ و در هر حکمی، خیر و صلاح‌بندگان را در نظر گرفته است؛ که از جمله ی آنها فریضه ی حجاب برای زن است. و لزوم آن از نظر علم، عقل، جامعه و تاریخ به اثبات کامل رسیده است. پژوهش‌های علمی در ساختار فیزیکی زن به این نتیجه رسیده است که حجاب برای زن از ضروریات است. تجربه ی تاریخی نشان داده که حجاب زن باعث بالارفتن عظمت و شخصیت وی می‌گردد. همچنین عقل و عقلای هر زمان به این حقیقت رسیده‌اند که عزت و کرامت انسانی زن به وسیله حجاب تأمین می‌گردد. و بالاخره از انبیاء و اولیاء الهی که بگذریم، دانشمندان و فلاسفه در طول تاریخ مانند سقراط و افلاطون و مابعد آنان به این حقیقت غیرقابل انکار دست یافته‌اند که ساختار فیزیکی و حالات روحی زن اقتضا می‌کند که با پوشش باشد و خیر و صلاح فردی و اجتماعی او در پوشش کامل است؛ زیرا او به گونه ای آفریده شده که اگر بی حجاب، عریان یا نیمه عریان باشد، آثار شوم و ضررهای آن قبل از آنکه متوجه جامعه شود، دامنگیر خودش می‌گردد (علاقه‌مندان می‌توانند به کتاب «مسئله ی حجاب»، شهید مطهری و «حجاب» شهید دکتر پاک نژاد و کتابهای دیگر در همین زمینه مراجعه کنند که از نظر علمی و پزشکی حجاب را بررسی نموده و ضرورت آن را برای زن اثبات کرده‌اند). تنها مطلبی که نگارنده در اینجا مطرح می‌کند یک ارزیابی اجمالی از نوع حجاب است.

### قابل توجه زنان عاقل، متشخص و با منطق

اگر از تمام آیات قرآن و روایات معصومین که درباره ی حجاب به ما رسیده است صرف نظر کنیم، همین یک روایت برای زنان عاقل، با شخصیت و با منطق کافیهست و آنان را از خواب غفلت بیدار می‌سازد: عن اسامهٔ بن زید قال: کسانى رسولُ الله (صلی الله علیه و آله) قُبِطِيَّةٌ كَثِيْفَةٌ كَانَتْ مِمَّا أهدى لَهُ دِحْيَةُ الْكَلْبِيِّ فَكَسَوْتُهَا امرأتى، فقال رسول الله (صلی الله علیه و آله): مالک لا تلبس القُبِطِيَّةَ؟ قلت: يا رسول الله كَسَوْتُهَا امرأتى، فقال: مُرْها أن تجعلَ تَحْتَهَا غِلالَهُ فَأَنْى أَخافُ أن تصفِ حجمَ عظامها. ۱. اسامهٔ بن زید (که یکی از اصحاب ملازم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بوده است) می‌گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) لباس کتانی ظریف و نازک که دحیه کلبی به آن حضرت هدیه کرده بود به من پوشانید و در واقع آن را به من بخشید؛ من هم آن لباس را به همسرم پوشاندم. پس از چند روز رسول خدا (صلی الله علیه و آله) علت نپوشیدن آن لباس را جویا شد و پرسید چرا آن لباس کتانی را نمی‌پوشی؟! عرض کردم یا رسول الله آن را به همسرم پوشاندم. آنگاه حضرت فرمود: حال که لباس را به همسرت داده‌ای، پس او را امر کن هرگاه آن را می‌پوشد، در زیر آن، لباسی ضخیم و گشاد بپوشد؛ همانا می‌ترسم اگر آن لباس را به تنهایی بپوشد، حجم و استخوان بندی بدنش را بنمایاند. آموزه های این حدیث به زنان با عفت و مردان با غیرت جمله ی اخیر «همسرت را امر کن...» و سکوت نکردن رسول خدا ----- ۱. نیل الاوطاد شوکانی، شرح منتقى الاخبار، ج ۲، ص ۱۲۹. (صلی الله علیه و آله) در پاسخ اسامه نکات ذیل را به ما می‌فهماند: نکته ی اول: اهمیت امر به معروف و نهی از منکر. - دلسوزی و محبت کردن به خواهر و برادر مسلمان به وسیله ی ارشاد و هدایت وی به راه راست. - پرهیز دادن مردم از کاری که به گناه و معصیت منجر می‌شود. (یعنی اگر آن حضرت این تذکر را نمی‌داد، زن اسامه آن لباس اندام نما را می‌پوشید و این فعلی حرام بود). - نجات دادن مردم از آتش جهنم با یک تذکر محترمانه (زیرا زمانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از نوع پوشش بدن زن و نمایش آن به مرد نامحرم ابراز ناراحتی می‌نماید و می‌فرماید: می‌ترسم حجم بدنش نمایان شود، قطعاً توجه به عذاب و عقاب اخروی آن داشته است). نکته دوم: پرهیز جدی از توجیحات شیطانی مانند: - ان شاء الله آن لباس را در خانه برای شوهرش می‌پوشد، پس باید حمل بر صحت کرد. - وظیفه ی ما دادن لباس بود، دیگر وظیفه نداریم از کیفیت استفاده ی آن جویا شویم. - به ما چه مربوط است، آنکه لباس کذایی را می‌پوشد زن فلانی است و خودش باید از ناموشش حفاظت کند! - به ما مربوط

نیست، هر کس را در قبر خود میگذارند، خودش میدانند و عملش. - تیت من کار خیر بود و آن لباس را به خودش دادم، خواه در مسیر حلال از آن استفاده کند یا در مسیر حرام. - به ما چه مربوط که در امور داخلی مردم دخالت کنیم. و الی غیر ذلک از توجیهات شیطانی. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این توجیهات شیطانی را زیر پا گذاشت و جریان لباس را جویا شد و با موضع گیری و واکنشی که از خود نشان داد ضمیر اسامه را بیدار کرد و غیرت و تعصب او را برانگیخت و او را متوجه کرد مشاهده ی اندام همسرش مخصوص شوهر اوست؛ مرد نامحرم نباید حتی برجستگی های بدن زن نامحرم را ببیند. نکته ی سوم: این حدیث بیانگر این حقیقت است که حفظ ناموس از تکالیف و وظایف مرد است؛ بدین نحو که از همسرش بخواهد اندام و برآمدگی های بدنش را از نامحرمان ببوشاند. نکته ی چهارم: از این حدیث برمی آید آن دسته از مردانی که نسبت به حجاب و پوشش همسرانشان بی تفاوت و سهل انگارند، و هنگامی که زنانشان با هر نوع لباس و قیافه ای در مجامع عمومی ظاهر شوند، کمترین واکنشی از خود نشان نمی دهند؛ چون برخلاف دستور خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) عمل کرده اند؛ باید منتظر عواقب وخیم و عذاب دردناکی باشند. نکته ی پنجم: این حدیث به طور واضح محکوم می کند آن دسته از مردانی را که خداوند زنی نجیب، عفیف، متدین و مقید به حجاب کامل نصیب آنان کرده، ولی آنان در عوض این که ممنون خدا باشند و از زنانشان تشکر و قدردانی کنند آنان را به گناه وامی دارند و از آنان می خواهند که با لباس و قیافه ی زننده در مقابل نامحرم رفت و آمد کنند. نکته ی ششم: در پاسخ گزاره گویانی که بگویند: «منظور از حجاب زن، پوشاندن بصره ی اوست و پوشاندن برجستگی های بدن جزء حجاب و واجبات نیست» می گوئیم، این حرفی است گراف، نامربوط، نامشروع، موهن و بی اساس که با موازین اسلامی سازگار نیست؛ (کما اینکه در طول ۱۴ قرن حتی آخوندهای درباری هم چنین حرفی نزده اند، البته ممکن است در آینده یک آخوند دست نشانده ی انگلیس یا امریکا پیدا شود و چنین فتوایی بدهد). بلکه به استناد همین روایت و سایر آیات و روایات متعلق به حجاب و نیز فتاوی فقها از صدر اسلام تا کنون، پوشاندن برجستگی های بدن زن، جزء حجاب محسوب می شده است.

### سفارش پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به پوشیدن شلوار

عن علی (علیه السلام): كنت قاعداً فی البقیع مع رسول الله صلی الله علیه و آله فی یوم دَجْنٍ و مَطَرٍ ، اذ مرّت امرأة علی حمار فَهَوّت الحِمَارَ فی وهدیه فسقطت المرأه، فاعرضَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله بوجهه، قالوا: یا رسول الله، اَنّھا مُتَسَرِّوْلَةٌ قال: اللهم اغفر للمتسرولات - ثلاثاً - یا أيُّها النَّاسُ، اتخذوا السراويلات فإنّھا من استر ثيابکم و حصّنها بها نسائکم إذا خرجن. ۱ از مولای متقیان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: یک روز ابری و بارانی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در بقیع نشسته بودم، اتفاقاً زنی که سوار بر الاغ بود از آنجا می گذشت، ناگهان الاغ به چاله ای برخورد و فرو افتاد و آن زن نیز از سر فرو افتاد. پس -----  
----- ۱- مجموعه ی ورام- تنبیه الخواطر- لابی فراس، ج ۲، صفحه ی ۷۸. نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) صورت مبارک خویش را به طرف دیگر متوجه نمود. (به لحاظ اینکه شاید آن زن زیر لباسهایش شلوار پوشیده باشد و چشم مبارک آن حضرت به بدن زن نامحرم بیفتد و آلوده به گناه شود) اطرافیان که ناظر این قضیه بودند خطاب به آن حضرت گفتند: یا رسول الله، این زن شلوار پوشیده بود. (یعنی هنگام فرو افتادن از الاغ جایی از بدنش پیدا نبود، چرا شما صورت مبارک را به طرف دیگر متوجه نمودید.) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از شنیدن این خبر خوشحال شد و از روی خرسندی سه بار فرمود: خدایا، زنان شلوار پوش را ببخشای، بارالها، زنان شلوار پوش را عفو بفرما، خداوند، زنانی را که هنگام خروج از منزل با شلوار بیرون می آیند مورد عفو و بخشش خود قرار ده. و نیز خطاب به عموم مردم فرمودند: شلوارها را به تن کنید و آنها را برای خود حفظ نمایید. همانا این شلوارها بهترین لباس است برای شما، و زنانتان را هنگام خروج از منزل با شلوار حفظ و حراست نمایید. آموزه های این حدیث ۱- با اینکه لباس عربی، بلند و فراخ است و مانند برخی مانتو و روپوشهای امروز کوتاه، تنگ و اندام نما نبوده، در عین حال آن زن از

پوشیدن شلوار غافل نبوده است. ۳- این حدیث هشدار می‌دهد که هر زن نجیب، عقیف، باحیا و پاکدامن که هنگام خروج از منزل، هر لحظه این احتمال را بدهد که ممکن است برای او حادثه‌ای رخ دهد؛ مانند زمین خوردن، غش کردن، تصادف، از جایی پرت شدن، گیر کردن چادر یا قسمتی از لباس در لای در مغازه، تاکسی، اتوبوس و... و با در نظر گرفتن این موارد با شلوار و لباس آبرومند بیرون آید تا در صورت بروز حادثه‌ای، آبرو و حیثیت خود و خانواده‌اش محفوظ بماند. ۳- آموزه‌ی دیگر این حدیث این است که به عموم مردم می‌فرماید این شلوارها را برای خود نگهدارید که بهترین لباس است برای شما، و نیز زنان را هنگام خروج از منزل به وسیله‌ی شلوار محفوظ دارید. ۴- این حدیث به طور آشکار پاداش زنان باحجاب و پوشش کامل را تعیین فرموده و آن اینکه خداوند آنان را مورد عفو خویش قرار می‌دهد. ۵- از جمله‌ی «یا ایها الناس»، عمومیت حکم به دست می‌آید؛ یعنی مسئله‌ی حجاب و پوشش کامل، فقط مخصوص مسلمانان نیست؛ بلکه شامل حال عموم مردم، اعم از مسلمان و غیر مسلمان می‌شود. ۶- آموزه‌ی دیگر این حدیث متعلق به مردها است که اگر دیدند برای زنی مسلمان یا غیر مسلمان حادثه‌ی ناگواری رخ داد و جایی از بدنش نمایان شد، به او خیره نشوند و توجه خود را به جانب دیگر بنمایند تا چشمانشان از آلوده شدن به گناه محفوظ بماند.

### آیا خواهر زن به شوهر خواهر محرم است؟!

عایشه، إن أسماء بنت ابی بکر دخلت علی رسول الله (صلی الله علیه و اله و علیها ثیاب رقاق، فأعرض عنها رسول الله و قال: یا أسماء إن المرأة إذا بلغت المحيض لم یضلح أن یری منها إلا هذا و أشار إلی وجهه و کفیه. ۱. عایشه نقل کرده که (خواهرش) أسماء بر پیغمبر وارد شد در حالی که لباس ظریف و نازکی بر تن داشت. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از نگاه به او اعراض کرد و فرمود: ----- ۱- الترغیب و الترهیب من الحدیث الشریف، لژکی الدین عبدالعظیم، ج ۳، صفحه ۹۵/۳. ای اسماء! هنگامی که زن به سن بلوغ و عادت ماهانه رسید، شایسته نیست بدنش دیده شود، جز این قسمت، و اشاره فرمود به صورت و دستها تا میچ. به عبارت روشن تر خواهر عایشه با این اندیشه و پندار غلط که چون خواهر زن پیغمبر است، هر طوری به خانه‌ی خواهرش رفت و آمد کند مسئله‌ی ای نیست؛ با لباس ظریف که اندامش را نمایش می‌داد و پستی و بلندی‌های بدنش را ظاهر می‌کرد، بر پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد شد، ولی آن حضرت موقعیت را مناسب دید و بدون هیچ ملاحظه‌ای او را نکوهش و هدایت نمود و غلط بودن پندارش را آشکار ساخت و فرمود ای اسماء، درست است که تو خواهر زن من هستی و از بستگان سببی من محسوب می‌شوی؛ لیکن از لحاظ عدم محرمت با سایر زنان هیچ تفاوتی نداری؛ همان طور که سایر زنان به من نامحرمند و باید خود را بپوشانند، تو نیز باید رعایت این حرمت الهی را بنمایی و خود را کاملاً بپوشانی. آموزه‌های این حدیث ۱- از اطلاق حکم و تعمیم آن به هر زنی که عادت ماهانه دید، به خوبی استفاده می‌شود که هر زنی به سن بلوغ رسید، موظف است اندام و برجستگی‌های بدنش را از نامحرم بپوشاند. ۲- از اطلاق و تعمیم حکم معلوم می‌شود حجاب و پنهان ساختن پستی و بلندی‌های بدن مخصوص زنان مسلمان نیست، بلکه زنان غیر مسلمان نیز موظفند خود را بپوشانند. ۳- سومین آموزه‌ی این حدیث خطاب به مردها است؛ یعنی مرد نباید از هر موقعیتی سوء استفاده کند و اگر دید زنی در اثر جهل و نابخردی با وضع نامناسب و مهیج بیرون آمده به او خیره شود؛ بلکه موظف است به خودش رحم کند و چشمان پاکش را به گناه نیالاید و خود را از ابتلا به حرام و عواقب ناگوار آن حفظ کند. ۴- این حدیث به وضوح کامل می‌رساند که خواهر زن موظف است خود را در مقابل شوهر خواهر بپوشاند. ۵- می‌توان گفت در زمان صدور این روایت، اسماء در سن بلوغ و نوجوانی بوده و از آنجا که قبل از بلوغ و در زمان کودکی به خانه‌ی خواهرش رفت و آمد داشته و مورد اعراض و اعتراض واقع نمی‌شده، گمان کرده برای همیشه آزاد است و مانعی ندارد در مقابل شوهر خواهر بی حجاب باشد و لذا به طور معمولی به خانه‌ی خواهرش رفته که مورد اعتراض رسول خدا واقع شده است.

## یک قاعده ی کلی و قانون اساسی برای حجاب

دخل النبی (صلی الله علیه و آله) علی ام سلمه و هی تختمر فقال (صلی الله علیه و آله) لئیه لایتمین. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد شد بر ام سلمه در حالی که آن بانو سربند (روسری) بزرگ خود را دو دور بر سرش پیچیده بود (و به قدری بزرگ شده بود که به صورت عمامه ی مردها در آمده و چشم دیگران را به خود جلب می کرد). حضرت فرمود: ام سلمه، سربندت را یک دور به سرت پیچ نه دو دور. به عبارت روشن تر حضرت خواستند بفرمایند: ام سلمه اگرچه تو با این عمامه تمام موهای سرت را پنهان کرده ای، لیکن به قدری سر خود را بزرگ نموده ای که از جهت دیگر جلب توجه میکنی و این کار شایسته ی یک زن مسلمان نیست که لباس، رفتار و کردارش طوری باشد که چشم مردان را به خود خیره سازد. ----- ۱- نیل الاوطاد شوکانی، ج ۲، ص ۱۳۰. به هر حال از این دو حدیث و مجموع آیات و روایاتی که در زمینه ی حجاب به ما رسیده، یک قاعده ی کلی و یک قانون اساسی در خصوص پوشش زن به دست می آید و آن اینکه: هر نوع لباسی با هر اسم و عنوانی (مانتو یا روپوش تنگ و کوتاه، کت و شلوار، بلوز و دامن، چادر توری، جوراب نازک و تمامی لباسهای بدن نما) که اندام و برجستگی های بدن را بنمایاند و چشم مردان را به خود خیره سازد، جایز نیست و پوشنده ی هر یک از لباسهای فوق قطعاً مرتکب گناه شده و باید خیلی زود توبه کند یا در انتظار عذاب الهی باشد. در مقابل، هر نوع پوشش و لباسی که به قدری بلند و فراخ باشد که برجستگی های بدن را به طور کامل بپوشاند و نیز کمترین زر و زیوری نداشته باشد که جلب توجه کند، آن لباس حجاب محسوب می گردد و پوشنده ی آن به وظیفه ی خود عمل کرده و باید در انتظار پاداش عظیمی باشد.

## بدسلیقگی برخی از خانمها

مدتی است نگارنده کنجکاو این موضوع شده که معروف است خانمها خوش ذوق و باسلیقه هستند و در گزینش های خود دقت می کنند از میان همه، بهترین، کامل ترین، جامع ترین و ارزشمندترین ها را انتخاب کنند. معذک نمی دانم چرا وقتی نوبت به مسائل دینی و شخصیت گرایی می رسد، چشمانشان را بسته و بدون کمترین توجه به شخصیت خود، از زنان غربزده که هیچ ارزشی برای خود قائل نیستند، پیروی کرده و با قیافه ی زشت و زننده در مجامع عمومی حاضر می شوند. وقتی این گزینش ناشایسته و ناپسند را از برخی زنان مشاهده کردم، در این فکر فرو رفتم که ذوق و سلیقه ی این گروه از خانمها چه شده و کجا رفته... اگر واقعاً خوش ذوقند؛ چرا برخی از آنان در خصوص کرامت انسانی و شخصیت گرایی، بهترین ها را کنار زده و زشت ترین ها را برگزیده اند؟! اگر همه ی خانمها با سلیقه اند؛ چرا برخی از آنان الگوهای مثبت را که حیا، عفت، عصمت، وقار و متانت بر سراسر وجودشان پرتو افکنده، رها نموده و از افراد سبک مغز، بی محتوا و... الگو می گیرند؟! اگر واقعاً این طور است که همه ی خانمها بهترین ها را انتخاب می کنند؛ پس چرا برخی از آنها بانوان محترمه ای را که حجاب اسلامی، وقار، جلالت و ابهتی خاص به آنها داده است نادیده گرفته و به تقلید کورکورانه از زنان سبک سر و... پرداخته اند؟! اگر دخترها واقعاً با سلیقه اند؛ چرا کمی به خود نمی اندیشند و موقعیت انسانی خویش را در نظر نمی گیرند و از دختران شایسته و باوقاری که با چادر عصمت در مجامع عمومی رفت و آمد می کنند و به خاطر حجابشان مورد اکرام و احترام عام و خاص واقع می شوند، الگو نمی گیرند و به تقلید نادرست از زنان بی بند و بار پرداخته اند. با مشاهده ی این کج سلیقگی ها و گزینش منفی خانمها در جست و جوی علل و اسباب این انحراف و گمراهی خانمهای غربزده برآمدم و پس از تحقیق و تفحص به این نتیجه دست یافتم که این گروه از بانوان مصداق بارز حدیث ذیل هستند که در اثر خودناشناختی و خودناباوری، از شناخت راه صحیح و درست عاجز مانده و الگوهای مثبت را ترک! نموده و به الگوهای منفی گرویده اند و در این راستا به دام فساد گرفتار شده اند.

## زنان و خودشناسی

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرموده اند: من جهل نفسه کان بغیره أجهل. ۱. ----- ۱- غررالاحکم، کلمه ی ۹۶۰. آن که نسبت به خود نادان است و نتوانسته خویشتن را بشناسد، نسبت به شناخت دیگران نادان تر و بی بهره تر است. به دیگر سخن وقتی انسان از شناخت خود علیل و ناتوان شد و نتوانست موقعیت فردی و اجتماعی و اعتقادی خود را درک کند و در این راستا مسئولیت و وظیفه اش را انجام دهد؛ این شخص طبعاً از شناخت دیگران و پی بردن به حقایق امور نادان تر و ناتوان تر خواهد بود، و همین نادانی او باعث می شود راه راست را از کج راهه نشناسد و منحرف و گمراه گردد. بنابراین منشأ تمام انحرافات و گمراهی های بشر و از جمله بی حجابی یا بدحجابی و منفیگرایی خانمها، خودناشناختی و جهل به موقعیت فردی، اجتماعی و اعتقادی خود می باشد.

### پوشش کامل، انتخاب بهترینها

اگر آیات و روایات مربوط به حجاب زن را بررسی کنیم و نیز فتاوی مراجع تقلید از صدر اسلام تاکنون را مطالعه نماییم، یک نفر را نمی یابیم که گفته باشد چادر یا عبا به عنوان حجاب زن خوب نیست، یا لازم نیست؛ بلکه تماماً فرموده اند چادر و عبا بهترین حجاب است برای زن. عده ی معدودی هم فرموده اند اگر لباس، مانتو، روپوش و یا کلاً پوشش زن طوری باشد که تمام اندام او را به طور کامل بپوشاند و برجستگی های بدنش نمایان نباشد، مانعی ندارد.

### تعریف و ترسیم از یک بانوی فرهیخته ی مسلمان

هان ز اغیار بیوشان رخ زیبا زهار نرسد میوه در آن باغ که دیوارش نیست در طول تاریخ چنین مطرح بوده که در مقام تعریف و تمجید از زن و ترسیم او به یک وجود ارزنده و گرانسنگ می گفتند: فلانی زنی بود یا زنی هست با عصمت، باوقار، متین و با ابهت؛ چنان حجابی دارد که حتی صورتش پیدا نیست و نیز در خوابهای رحمانی که درباره ی شفای مریض؛ برآمدن حاجت؛ حل مشکل و گرفتاری می بینند، میگویند در خواب دیدم زنی باوقار و متین در حالی که چادر عصمت اندامش را پوشانده بود و نقاب عفت برچهره داشت، بر من وارد شد و چنین و چنان گفت و حاجت من برآورده شد... این را می گویند خواب رحمانی؛ ولی آیا تاکنون عکس این قضیه را خوانده یا شنیده اید (حتی از زنان بی حجاب و یا بدحجاب و...) که گفته شود، در عالم خواب دیدم زنی عریان یا نیمه عریان، بزک کرده... نزد من آمد و... و حاجتم برآورده شد. اگر کسی واقعا چنین خوابی ببیند اولاً؛ خجالت می کشد برای دیگران تعریف کند ثانیاً؛ اگر برای کسی تعریف کند، حتی همان زنان بی حجاب و بدحجاب به او می خندند و او را به تمسخر میگیرند و در تعبیر خوابش میگویند این خواب شیطانی بوده، صدقه بده و مواظب باش به دام شیطان گرفتار نشوی. به هر حال با توجه به این حقیقت من در عجبم چرا برخی از خانمها کج سلیقه شده و الگوهای مثبت را رها نموده و از الگوهای منفی پیروی می کنند.

### چادر و حجاب کامل علامت آزادگی و بی حجابی علامت بردگی

قوله تعالی: یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلابیهنّ ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین وکان الله غفوراً رحیماً. ۱. ----- ۱- سوره ی احزاب، آیه ی ۵۹. ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنه و آزاده بگودو طرف چادرهایشان را به هم بگیرند و گیسوان و گریبان خود را با چادرهایشان بپوشانند، این شیوه (پوشاندن



صورت، گیسو و سینه) نزدیکتر و آشکارتر است که زنان مؤمنه و آزاده شناخته شوند و مورد تعرض و اذیت و آزار جسمی، روحی و عرضی قرار نگیرند و امنیت کامل داشته باشند. همانا خداوند بخشنده گناهان و نسبت به بندگان مهربان است. چنانکه از شأن نزول این آیه و روایات وارده و حکایات منقوله در خصوص حجاب به دست می‌آید؛ وضعیت زنان در صدر اسلام به قرار ذیل بوده است: ۱- زنان برده و کنیزان زرخرید، سربرهنه و بی حجاب بوده‌اند و همین علامت بردگی آنان محسوب می‌شده؛ یعنی اگر شخص غریبی در محل یا خانواده‌ای وارد می‌شد و می‌دید زن یا دختری بی حجاب بین مردم رفت و آمد می‌کند، بدون اینکه شرح حال او را از کسی پرسد متوجه می‌شد او برده و کنیز زرخرید است. ۲- زنان آزاده با چادر و حجاب بوده‌اند و همین چادر معرف آزادگی آنان بوده است؛ یعنی از پوشش چادرش می‌فهمیدند او برده نیست و آزاده است. ۳- چادر به سر کردن زنان آزاده به این صورت بوده که (مانند برخی از زنان جاهل و سهل‌انگار زمان خودمان) قسمتی از موهایشان بیرون بوده و جلوی چادرشان باز بوده، به طوری که زیر گلو، گردن و برآمدگی سینه‌هایشان دیده می‌شده است. ۴- در عین حال همین چادر نیمه‌کاره، علامت آزادگی و بزرگواری زنان مؤمنه محسوب می‌شده و چنان هیبت و ابهتی به آنان می‌داده است که احدی جرئت تعرض و جسارت به آنها را نداشته است. ۵- زنان برده و کنیزان به خاطر بی‌حجابیشان زود شناخته می‌شدند و مورد اهانت اراذل و اوباش قرار می‌گرفتند. ۶- مردان لا-ابالی، اوباش، الوات و بی‌غیرت، مزاحم کنیزان شده و به شوخی و متلک با آنان پرداخته و در صورت امکان آنان را مورد تعدی و تجاوز جنسی قرار می‌داده‌اند. ۷- وقتی کنیزان آثار مثبت و محسنات چشمگیر چادر را مشاهده کردند و دیدند زنان آزاده به خاطر حجابشان مورد اکرام و احترام عموم مردم هستند و چادر ابهت، هیبت، جلال و جمال خاصی به آنان داده و هیچ‌کس جرئت نمی‌کند مزاحم آنان شود؛ حس بزرگ منشی، شخصیت طلبی، برتری جویی و عزت خواهی آنان تحریک و بیدار شد و به طور خودجوش و با میل باطنی، خود را زیر چادر پنهان ساخته و به هیبت زنان آزاده درآوردند. ۸- این استقبال فطری و خودجوش کنیزان از چادر و حجاب باعث شد، وجه تمایز بین زن آزاده و کنیز از بین برود و بر حسب ظاهر هر دو را یکسان بنماید. ۹- بر همین اساس مردان بی‌بند و بار، لا-ابالی، الوات و بی‌غیرت که مزاحم کنیزان می‌شدند، چون همه‌ی زن‌ها به یک صورت درآمده بودند، اتفاق می‌افتاد که همچنین مزاحم زنان آزاده هم شوند و این عمل نظم عمومی را برهم زده؛ آرامش جامعه را ملتهب ساخته؛ فضای آزادی را مخوف و مسموم نموده؛ عزت، کرامت و عفت زنان را لکه‌دار و تعصب مردان باغیرت و ناموس دوست را برمی‌انگیخت. ۱۰- وقتی مزاحمین و متعرضین به زنان آزاده دستگیر و مورد مؤاخذه و عقاب قرار می‌گرفتند در پاسخ می‌گفتند ما گمان کردیم این کنیز است و... ۱۱- مسئله‌ی مزاحمین خیابانی و برخورد اراذل و اوباش با نوامیس مردم که موجب ناامنی و ترس و وحشت برای زنان آزاده و مؤمنه شده بود، به صورت یک معضل اجتماعی جامعه را تهدید می‌کرد. ۱۲- با توجه به نکات مزبور، خداوند تبارک و تعالی راه حل این مشکل مهم اجتماعی را در آیه‌ی فوق ارائه داده است. ۱۳- خداوند تبارک و تعالی قبل از اینکه اراذل و اوباش را مورد مؤاخذه و عقاب قرار دهد، متوجه زنان مؤمنه آزاده و فرهیخته شده و آنان را به صیانت نفس و حفظ و حراست خود به وسیله‌ی چادر و حجاب کامل دعوت نموده و فرمود: ای پیامبر، به زنان و دخترانت و نیز به زنان مؤمنه و آزاده بگو هنگام عبور و مرور در کوچه و بازار و رفت و آمد، در مقابل نامحرم دو طرف چادرشان را به هم بگیرند و گیسوان، صورت و گردن و سینه‌ی خود را به طور کامل بپوشانند تا معلوم شود آزاده‌اند و کسی متعرض و مزاحم آنان نشود. ۱۴- خداوند نفرموده، ای پیامبر به هر طریق ممکن جلوی مزاحمین خیابانی را بگیر و آنان را مواخذه و تعزیر کن؛ بلکه فرمود به زنان بگو حجابشان را کامل کنند و با بی‌حجابی و بدحجابی و نشان دادن گیسو، صورت، گردن و... باعث تحریک مردان نشوند؛ یعنی مایه‌ی فتنه و فساد جامعه اول زنان هستند، سپس مردان. به عبارت روشن‌تر اکنون که کنیزان به میل باطنی و خودجوش از چادر استقبال کرده و خود را به هیبت زنان آزاده درآورده‌اند و ظاهراً بین زن آزاده و برده فرقی نیست؛ به زنان آزاده بگو با نحوه‌ی چادر به سرانداختن و روگرفتن، آزادگی خود را معرفی کنند؛ یعنی چنان رو بگیرند که سر و صورت و سینه‌ی آنان کاملاً پوشیده

و پنهان گردد. این حجاب کامل و هیبت و هیئت مخصوص؛ بهترین، نزدیکترین و آشکارترین راه معرفی زنان مؤمنه است که مردم از نحوه ی حجاب و روگرفتن آنان متوجه شوند او زنی آزاده است نه برده؛ او زنی مؤمنه و باشخصیت است نه کنیز زرخرید؛ زیرا همین حجاب کامل باعث می شود، افراد نانجیب و اراذل و اوباش بترسند و متعرض و مزاحم آنان نشوند. آموزه های این آیه ۲- این آیه راه حفظ شخصیت، کرامت، عزت و آزادگی را در پیش روی زنان قرار داده است. در صورت اجرای این حکم (حجاب کامل) راه مزاحمت، فساد، فحشا... به روی مزاحمین خیابانی و اراذل و اوباش مسدود می گردد. با این وجود اگر زنی به این حکم الهی که تماماً به خیر و صلاح او است، اعتنا نکند و بابتی حجابی خود را پست تر از کنیزان جلوه دهد؛ معلوم می شود خودش مریض است و مشکل دارد که عملاً مقدمات مزاحمت و فساد و فحشا را برای خود و دیگران فراهم ساخته است. ۲- اگر زنی بی حجاب یا بدحجاب بیرون آمد و مورد اهانت و تعرض مزاحمین خیابانی و اراذل و اوباش قرار گرفت، اول باید خودش را ملامت و سرزنش کند، سپس به مزاحمین ایراد بگیرد. ۳- چادر ابهت، هیبت و عزتی خاص به زن می دهد که چشم و دست نامحرم را به طور طبیعی و بدون زحمت از خود دور می سازد. ۴- استقبال خودجوش کنیزان از چادر و حجاب بر اساس تمایل فطری و حس شخصیت طلبی و برتری جویی آنان بوده است. ۵- اسلام عزیز استقبال کنیزان را از چادر ارج نهاده و مانند بقیه ی امور، نظام طبقاتی و اشرافی را در خصوص حجاب نیز از بیخ و بن برکند و نفرمود چادر مخصوص زنان آزاده و اشراف است و کنیزان حق استفاده از آن را ندارند؛ بلکه تمایل فطری آنان را ارج نهاده و آنان را در انتخاب حجاب آزاد گذاشته و پاداش عظیمی برای زنان محجبه مقرر نمود. ۶- این آیه به وضوح می رساند که چادر و حجاب کامل، بهترین راه شناخت زن مؤمنه، آزاده و فرهیخته از زن لا ابالی و بی بند و بار و بی فرهنگ است. ۷- برده؛ یعنی اسیر، ذلیل، دست نشانده و خود فروخته به فرد یا گروهی. و این معانی در هر زمان و مکانی به نحوی تحقق می یابد. مثلاً در زمان ما به این صورت بروز کرده که برخی از زنان نگون بخت در اثر جهل، نابخردی، ضعف نفس، کمبود شخصیت و خودناشناختی، خویشان را به زنان نگون بخت و بی بند و بار غربی فروخته و از فکر و فرهنگ منحط آنان پیروی می کنند و این بردگی فکری تا آنجا پیش رفته که اصالت و کرامت انسانی را کنار زده و خود را به شکل و شمایل زنان بی بند و بار و لا-ابالی و بی فرهنگ غرب درمی ورنند. ۸- این آیه به طور صریح و آشکار میگوید چادر و حجاب کامل علامت آزادگی و بی حجابی و بدحجابی علامت بردگی زن است. ۹- زنی که بی حجاب یا بدحجاب بیرون آید و خود را به شکل و قیافه ی کنیزان و بردگان در آورد؛ آزادگی، شخصیت، کرامت و انسانیت خود را زیر سؤال برده نه دیگری را. ۱۰- زنی که چادر یا عبا به سر کرده و قسمتی از گیسوانش را بیرون گذاشته و گریبانش را باز گذاشته به طوری که تمام صورت و گردن و سینه اش دیده می شود، یا به نحوی دستهایش را نشان می دهد؛ مصداق بارز مخاطبین آیه ی شریفه است که خداوند خطاب به او فرموده این شیوه ی حجاب، شایسته و زیننده ی زن آزاده و باشخصیت نیست؛ بلکه زن مؤمنه باید تمام سر و صورت، گیسوان؛ دستها و برجستگی های بدنش را به طور کامل بپوشاند تا مردم از مشاهده ی وضع ظاهری او پی به شخصیت و بزرگواری وی ببرند و از هر نوع تعرض و مزاحمت در امان باشد. ۱۱- چادر و حجاب ایرانیان قبل از اسلام چنانکه مکرر گفته ایم حجاب از جمله احکام الهی است که در تمام ادیان آسمانی معمول و رایج بوده است و دلالت تضمینی آیه ی فوق این حکم را به وضوح تأیید می کند. به عبارت روشن تر از آنجا که آیه ی شریفه بی حجابی و بی بندوباری را به زمان جاهلیت نسبت داده، این حقیقت آشکار می گردد که قبل از عصر جاهلیت و بعد از آن، حجاب رایج و معمول بوده است و زنان پاکدامن و مؤمن به خدا و قیامت حیا، عفت و حجاب خویش را رعایت می کرده اند؛ کما اینکه در آیین زرتشت (که اعتقاد نیاکان ما ایرانیان بوده و بر حسب برخی اخبار از ادیان آسمانی محسوب می شود) چادر و حجاب مرسوم و معمول بوده است. لیکن در مقطعی از تاریخ، غریزه ی جنسی و تمایلات حیوانی بر زنان چیره شد و برای نیل به تمایلات شیطانی، این فریضه ی الهی را ترک نموده و بی حجاب و با آرایش و زیورالات... در مجامع عمومی حاضر شدند. بر همین اساس خداوند تبارک و تعالی خطاب به زنان آزاده و مؤمنه و با شخصیت هشدار داده و به آنان سفارش می کند مواظب



باشید خود را به صورت زنان عصر جاهلیت که قانون الهی را، نادیده گرفتند و بی بندوبار و بی حجاب شدند نباشید و با بی حجابی خود عزت، کرامت و شخصیت خود را زیر سؤال نبرید. ۱۲- پیام آیه و نقش زنان در اصلاح مفاسد اخلاقی پیام بسیار مهم و ارزنده ای که آیه حامل آن است، نقش سازندگی زنان و اصلاح جامعه از مفاسد اخلاقی و ایجاد یک جامعه‌ی انسانی فرهیخته و متعالی است که تحت عناوین ذیل مکشوف می‌گردد: \* - زن را مورد خطاب قرار داده نه مرد را! \* - زن را مسئول این امر مهم شمرده نه مرد را! \* - زن آزاده، دین مدار و متعهد را مسئول دانسته نه هر زن و مردی را! به عبارت روشن تر آیه ی فوق خطاب به زن میگوید: \* - تو ریحانه ای، تو بسان گلی خوش رنگ هستی که هر بیننده ای را مجذوب و مفتون خود می سازی. \* تو جنس مخالفی و نه مخالف به معنای رویارویی و تباین کلی؛ بلکه مخالف به معنای منفی و مثبت که وقتی در کنار هم قرارگیرند نور می آفرینند و آثار فراوانی از خود می گذارند. \* - تو جذابی، و این قوه ی جاذبه را آفریدگار جهان در ذات تو قرار داده که مرد مجذوب تو گردد و میل به تشکیل خانواده پیدا کند و نسل بنی آدم گسترش یابد. \* - تو اگر خودت را بشناسی و باور کنی، در نظام خلقت ارزش بسیار بزرگ و گرانسنگی داری؛ به طوری که تداوم نسل انسان به وجود تو پیوند ناگسستنی خورده. تو آتشی هستی که می توانی شعله ور شوی و اطراف خود را تا چندین کیلومتر منور سازی و تاریکی ها را روشن کنی و اشیاء گران قیمت ناپیدا را هویدا سازی و زیبایی های پنهان را آشکار نمایی و هدایتگر گمراهان، منحرفین و مرهم گذار امراض صعب العلاج روحی و جسمی مردان باشی. کما اینکه می توانی شعله ور شوی و دنیایی را به آتش بکشانی و بهترین اشیاء و گرانترین موجودات را به دیار عدم منتقل کنی و بسیاری از مردان و جوانان مؤمن و متقی را از هستی ساقط نمایی و باعث طغیان امراض روحی و جسمی مردان شوی و انتخاب هر یک از دو طریق در اختیار تو است. این تو هستی که می توانی با یک حرکت و برخورد عقلانی، دین مدارانه، منطقی و انسانی، جامعه ای را از فساد و فحشا و تباهی بازداری و به کمال مطلق سوق دهی. و نیز همین تو هستی که می توانی با یک حرکت موزون و ناموزن، یک چشمک، یک اشاره، یک کلام، نشان دادن دست، گردن، سینه... یا پوشیدن لباس تنگ و اندام نما، و ادا و اطوارهای شیطانی، مردان و جوانان را به منجلاب فساد و فحشا کشانده و تا پای ضربه ی شلاق، زندان و اعدام رهبری کنی و لکه ی ننگ تاریخ باشی؛ کما اینکه می توانی با حیا، عفت و حجاب کامل باشی و مردان هرزه و فاسد را به راه راست هدایت نمایی و تا مرز عرفان و عبودیت خالصانه هدایت نمایی و برگ زرین تاریخ باشی. این تو هستی که می توانی با رفتار، کردار، گفتار و برخورد خود، معلم خیر باشی و عملاً عفت، عصمت و حیا را به دیگران تعلیم دهی و بسیاری از مردان را از معرض هلاکت نجات بخشی. و نیز همین تو هستی که می توانی معلم شر باشی و جامعه ای را به فساد و فحشا سوق دهی. این تو هستی که به فرموده ی امامان معصوم (علیهم السّلام) اگر مؤمنه، صالحه و خوب از کار درآمدی، نه از لحاظ کمی و نه از لحاظ کیفی ارزش و قیمتی برای تو تصوّر نمی شود. یعنی بالاترین قیمت و ارزش مادی که بر تو بگذارند، باز قیمت و ارزش تو بالاتر خواهد بود و چنانچه فاسد، ناباب و بدکردار از کار درآمدی؛ از لحاظ کمی و کیفی به اندازه ی مشتی خاک، پست و بی ارزشی. و بالاخره تمام این منفی و مثبتها که در پیام آیه و در جای دیگر این کتاب بیان کردیم در گرو انتخاب و اختیار تو است. من آنچه شرط بلاغ بود با خانمها گفتم، امیدوارم عاقلانه فکر کنند و با تدبیر صحیح و منطقی انسانی بهترین ها را انتخاب نمایند و با عمل خویش رضایت خدا و رسول را به دست آورند.

### چادر؛ تاج افتخار، عزت و شرف بر سر زنان آزاده و باایمان

در اینجا ممکن است برای برخی از دانش پژوهان نکته سنج و تیزهوش سؤال ذیل پیش آید و بگویند: با اینکه جنس مؤنث اعم از مؤمن و کافر؛ کنیز و آزاده؛ از لحاظ جاذبه و صفات زنانه در تحریک و تهییج مردها یکسان هستند، با این وجود چرا و به چه علت خداوند تبارک و تعالی زنان مؤمنه و آزاده را به چادر و حجاب کامل سفارش نموده؟! پاسخ این سؤال کاملاً بجا و بمورد این است

که اختصاص چادر و حجاب به زنان آزاده، متضمن نکات مهمی است که به یکی از آنها اشاره می‌کنیم. نکته‌ی بسیار ظریف، دقیق، مهم و ارزنده‌ای که از آیه‌ی شریفه به دست می‌آید این است که تمام ارزش و قیمت انسان در نزد آفریدگار جهان به تناسب ایمان و اعتقاد او به خدا و رسول و قیامت است نه به مال و منال، عنوان و مقام.. هر چه ایمان و اعتقاد انسان به توحید، نبوت و معاد بیشتر، قوی تر و محکمتر باشد، به همان اندازه مقام و منزلت و شایستگی او در نزد خداوند عالی تر و ارزنده تر خواهد بود. بر همین اساس وقتی پیروان قرآن و عترت از امامان معصوم (علیهم السّلام) در خصوص نگاه به زنان کافر و مشرک می‌پرسیدند: آیا نگاه به اعضاء و جوارح، اندام و گیسوان زنان کافره و مشرکه جایز است یا نه؟! در پاسخ می‌فرمودند: اگر موجب تحریک‌گریزه و ابتلا- به گناه نشود حرام نیست و مانعی ندارد؛ زیرا آنان مانند حیوانات هستند و در نزد خداوند ارزش و مقامی ندارند. یعنی همانطور که اگر انسان مؤمنی به اندام و اعضاء حیوانی مانند گاو، گوسفند، الاغ و... نگاه کند و غریزه اش تحریک شود و او را به گناه بیندازد حرام است به آن حیوان نگاه کند و جداً باید پرهیز نماید؛ نگاه به زن کافره و مشرکه نیز همین حکم را دارد. اما اگر از نگاه کردن به اعضا و جوارح و اندام آن حیوان کمترین تحولی در وجودش رخ نمی‌دهد، هیچ مانعی در نگاه کردن او نیست. بنابراین زنان کافره و کنیزان (که معمولاً از کفار و مشرکین بوده اند) همین مقام را دارند که اگر مردی از نگاه کردن به اندام، اعضا و گیسوان آنان تحریک و تهییج نمی‌شود، مانعی در نگاه کردن به آنان نیست. بر خلاف زنان آزاده و مؤمنه که انسانهای وارسته و شایسته محسوب می‌شوند و به خاطر ایمانشان به خدا و رسول و قیامت، راه کمال را برگزیده و در این اندیشه اندک‌هنگام حتی الامکان خود را به کمال مطلق نزدیک و نزدیکتر نمایند. ولذا خداوند تبارک و تعالی آنان را شایسته و لایق این مقام عظمی دانسته که این تاج افتخار و شرافت، یعنی چادر و حجاب کامل را بر سر زنان مؤمنه و آزاده بزند تا از این طریق عزت، کرامت و شرافت آنان محفوظ و از چشمان پلید و زهرآلود مصون بمانند و دست خوش افراد لا ابالی و بی بند و بار واقعی نشوند. و نیز چادر و حجاب کامل را به زنان آزاده و مؤمنه اختصاص داد تا فرق بین زنان شایسته و صالحه و زنان لا ابالی و بی بند و بار آشکار و علنی باشد.

### کوهان شتر یا شاخ گذاشتن برخی زنان

در روایات ملاحم و پیشگویی‌های خاندان وحی چنین آمده که در آخرالزمان، زنان لباس مردانه می‌پوشند و خود را به شکل و قیافه‌ی مردان درمی‌آورند و همین‌طور مردها خود را به شکل و قیافه‌ی زنان می‌سازند... زنان موی سرشان را مانند کوهان شتر بسته، در مجامع عمومی رفت و آمد می‌کنند. این‌گونه اخبار در زمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنوندگان را به بهت و حیرت می‌انداخت و از روی تعجب می‌پرسیدند یا رسول الله آیا واقعاً چنین می‌شود؟! یعنی زنان و مردان مؤمن و آزاده، حیرت زده می‌شدند که آیا واقعاً زن مسلمان و آزاده تا این اندازه اصالت و کرامت خود را از دست می‌دهد که لباس مردانه بپوشد و خود را به شکل و شمایل مردان درآورد؟! اکنون پس از ۱۴۰۰ سال، حقیقت‌گویی رسول خدا به وقوع پیوست و می‌بینیم که برخی از زنان به ظاهر و اسم مسلمان، لباس مردانه پوشیده و موی سرشان را به صورت کوهان شتر بسته و یا شاخی بزرگ برای خود می‌سازند و با این عملشان به خدا اعتراض می‌کنند که ای خالق و آفریدگار من، تو می‌بایست به من شاخ می‌دادی و مرا به صورت حیوانات شاخ دار خلق می‌کردی، پس حالا- که تو به من شاخ ندادی، خودم با موهای سرم برای خودم شاخ درست می‌کنم و با لباس مردانه و اندام نما به کوچه و بازار می‌روم و چشم مردان و جوانان را به خود خیره می‌سازم... به دیگر سخن، زن یا دختری که موهای سرش را به صورت شاخ درست می‌کند و بدون چادر و حجاب اسلامی در مجامع عمومی ظاهر می‌شود؛ شخصیت، کرامت، عزت و آزادگی را زیر پا نهاده و خود را از بردگان و کنیزان زرخرد پست تر و ننگ تر جلوه داده است. زیرا همانگونه که در شرح آیه بیان شده، کنیزان زرخرد در صدر اسلام به طور خودجوش و با میل باطنی چادر را که مخصوص زنان مؤمنه و آزاده بود برگزیدند و خود را به هیئت زنان آزاده درآوردند. اما زنی که در دامن مادر مسلمان پرورش یافته و در کشور اسلام زندگی

میکند و از خوان نعمت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السّلام) بهره مند است؛ اگر بی حجاب و با لباس تنگ و اندام نما و موی سر چپین و چنان بیرون آید، به مراتب از کنیزان صدر اسلام پست تر و بی ارزش تر است.

### بی حجابی، دستورالعمل استعمارگران

چنانکه در کتاب اعترافات و مانند آن نقل شده، وزارت مستعمرات و به طور کلی جهان غرب، تنها راه پیروزی و دست یابی بر شورهای اسلامی و حکومت بر مسلمانان را در این دیده اند که فساد و فحشا را در بین آنان رواج دهند... کما اینکه در مواضع مختلف گفته اند ما اسپانیا را با گسترش فساد و فحشا از مسلمانان گرفتیم و نیز از جمله دستورالعمل های وزارت مستعمرات به مأمورین و کارگزاران خود این بود که باید از یکسو چادر و عبا را از سر زنان مسلمان برداشت و آنان را بی حجاب و با آرایش و... به بازار و خیابان کشانید؛ و از سوی دیگر باید جوانان را تحریک و تهییج نمود که به دنبال زنان و دختران افتاده و به فساد و فحشا مشغول شوند تا بتوانیم سرمایه های مادی آنان را به یغما و چپاول ببریم. (به کتاب اعترافات تألیف نگارنده مراجعه شود) با وجود این دستورالعمل، می توان گفت زنان بی حجاب یا بدحجاب از دو حال خارج نیستند: ۱- یا دانسته و آگاهانه مأمور و جیره خوار استعمارگرانند و در این راستا، خودفروشی و وطن فروشی از این بالاتر و بهتر نمی شود. ۲- یا اینکه در اثر جهل و نابخردی و خودناشناختی با بدحجابی یا بی حجابی خود، آب به آسیاب دشمن ریخته و با رفتار و کردارش دشمنان را یاری میکند.

### بی حجابی سرطان مسری در پیکر جامعه ی انسانی دینی

بنی آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی یعنی اگر فردی از افراد جامعه ی انسانی دینی علیل، ناقص، کج اندیش، کم خرد، فاسد و منحرف بود و در ارتکاب گناه، قانون شکنی و تخلف گری بی باک و جسور بود، از آنجا که عضوی از جامعه محسوب می شود، طبعاً هر یک از امراضش به دیگری سرایت نموده و در حد خودش پیکره ی جامعه را مبتلا می سازد. چنانکه مکرر گفته ایم خداوند تبارک و تعالی زن و مرد را مکمل یکدیگر قرار داده؛ یعنی هر یک را از جهاتی نیازمند و محتاج به آن دیگر آفریده تا از طریق ارتباط صحیح، سالم، عقلایی و مشروع از یکدیگر بهره مند شوند و ضمن برآوردن حاجات یکدیگر، جامعه ی انسانی را بسازند. از جمله اینکه جذابیت، لطافت، ظرافت، عطف و ملاحظت خاصی به زن داده و این صفات را در وجود زن به قدری قوی و شدید نموده که مرد با مشاهده ی زن تحریک شود و به تشکیل خانواده و قبول مسئولیت خطیر آن اقدام نماید. لذا برای جلوگیری از هرج و مرج جنسی و پیشگیری از هر نوع تعدی، تجاوز اخلاقی و حفظ سلامت جامعه و تأمین عزت و کرامت انسانی زن، او را به حیا، عفت و حجاب کامل سفارش اکید نموده است. در این صورت اگر زنی این قانون الهی را نادیده بگیرد و بدون حجاب کامل بیرون آید، از آنجا که قوه ی مغناطیسی در وجود زن چندین برابر مرد است، لذا تحریک و تهییجش شدیدتر و سریعتر است؛ بر همین اساس مردی که ازدواج کرده اگر زن بدحجاب یا بی حجابی را ببیند و تحریک شود، تا زمانی که به همسر حلال خود برسد مضطرب و ناراحت است. و اگر مرد بی زن و جوان عزب، آن زن را ببیند اعصابش به جنگ می افتد و چه بسا به استمناء و خودارضایی که از گناهان کبیره است، گرفتار شود. و باعث و بانی این عمل شنیع و ناراحتی های جسمی و روحی این جوان، همان زن بی بندوبار و لا-ابالی و بی حجاب بوده است. هر چه بدنش برهنه تر، خود آرایشی اش زیباتر و زننده تر و زیورآلاتش زیادتر باشد، به همان اندازه تندبادش قوی تر، طوفانش شدیدتر و طغیانش گسترده تر خواهد بود و بدن لرزه و ناراحتی جسمی و روحی که نوعی استرس و بیماری محسوب می گردد، سر تا پای مرد را احاطه می کند. مع ذلک، در نظر بگیرید در جامعه ی انسانی دین مدار، یک زن بدحجاب یا بی حجاب با اوصاف مذکوره، از هنگام بیرون آمدن از منزل تا زمان بازگشت در مقابل

چند نفر مرد و جوان قرار می‌گیرد و آنان را عذاب می‌دهد. بنابراین زن بدحجاب یا بی‌حجاب در جامعه‌ی دین مدار ناقل میکروب مسری و سریع‌الاثری است که بدون هیچ فعل و انفعالی به مردان و به ویژه جوانان سرایت می‌کند و رعشه و عذاب جسم و روح را بر آنان مستولی می‌گرداند. نتیجه‌ی کلام با توجه به مطالب فوق که برگرفته از آیات قرآن و روایات معصومین است، زنانی که در جامعه‌ی دینی انسانی حیا و عفت را زیر پا نهاده و عزت و کرامت انسانی را نادیده گرفته و بی‌حجاب و با آرایش و لباس زننده و اندام نما خود را به نامحرم ارائه می‌دهند، بی‌تردید و بدون شک، بیمار و علیل اند و واقعا از جهات مختلف کمبود دارند؛ هم از حیث عقل و درایت، هم از حیث دین و ایمان به قیامت و هم از لحاظ شخصیت و موقعیت اجتماعی. این گروه از زنان در جوامع انسانی دینی، بسان ویروس مسری و سلول سرطانی هستند که عملشان عمدی باشد یا سهوی؛ از روی جهل باشد یا از روی دانایی؛ بخواهند یا نخواهند باعث آلودگی‌های ذیل می‌باشند: ۱- پیکره‌ی جامعه‌ی دینی را مریض، مضطرب و ملتهد و متزلزل می‌گردانند و از آنجا که عملشان شیطانی است، شیاطین به یاری آنان شتافته و به هر طریق ممکن به سراسر جامعه گسترش می‌دهند. ۲- همانگونه که گفته شد جوانان عزب را ممکن است به بلای خانمانسوز خودارضایی و عمل شنیع استمناء گرفتار سازند. ۳- باعث جنگ اعصاب و تحریک غریزه و ناراحتی جسمی و روحی مردان می‌شوند. ۴- باعث اختلافات خانوادگی بسیاری از مردم می‌شوند که جای شرحش اینجا نیست. ۵- باعث اشاعه‌ی فرهنگ منحط و حیوانی و بی‌تفاوتی بین انسان و حیوان می‌گردند. ۶- باعث اشاعه‌ی بی‌حیایی، بی‌عفتی، بی‌شخصیتی دختران و پسران در سطح عمومی می‌شوند.

### این زنان مورد لعن و غضب خداوندند:

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): يا فاطمة ما من امرأة تزینت بزینة حسنة و خرجت من بیتها بأحسن ملبوس حتی ينظر الناس اليها الا لعن الله و ملائكة السموات و سبع الارضين و كانت في غضب الله حتى تموت ويؤمر بها إلى النار. ۱ رسول خدا (صلى الله عليه و آله) خطاب به فاطمه زهرا (سلام الله عليها) فرموده اند: ای فاطمه! هر زنی که خود را با زینتهای زیبا و دلربا بیاراید و با لباس زیبا و جذّاب از خانه اش خارج شود تا ----- ۱- نسخه‌ی خطی الشهاب الاخبار فی الحکم والاداب. یحیی بن محمد بحرانی، ص ۳۵. مردم او را نگاه کنند؛ خداوند و ملائکه‌ی آسمانها و هفت طبقه‌ی زمین بر او لعن و نفرین می‌فرستند و مورد خشم خداوند است تا زمانی که بمیرد و به او امر شود: برو داخل آتش. نگارنده؛ من نمی‌دانم آن خانمهایی که با لباس مهیج و آرایش در مجامع عمومی رفت و آمد می‌کنند و باعث تحریک و تهییج غریزه‌ی مردان و جوانان عزب می‌شوند، اگر به قیامت و عالم پس از مرگ اعتقاد دارند چه پاسخی برای اینگونه احادیث آماده کرده اند؟!

### یک سؤال از زنان بدحجاب

اکنون که بحث به اینجا رسید، خانمهای آزاده، فرهیخته و متشخص مسلمان، اجازه دهید مسیر کتابت را از نوشتاری به گفتاری تغییر دهیم و یک سؤال از زنان بدحجاب بنماییم و بگوییم به طور کلی ما از دستورات دین، مذهب و عزّت و کرامت انسانی صرفنظر می‌کنیم و یک سؤال منطقی و دو دو تا چهار تا از شما می‌پرسیم؛ امید است از روی انصاف و وجدان پاک به این سؤال منطقی پاسخ دهید. همان طور که مکرر گفته ایم خداوند تبارک و تعالی مصلحت آفرینش انسان را در این دیده که دو جنس مذکر و مؤنث را بیافریند و برای تداوم نسل بنی آدم، چنین مقرر فرمود که قوه جاذبه و توابعش را به جنس مؤنث دهد و قوه‌ی دافعه و توابعش را به مرد عطا فرماید تا به صورت طبیعی و ذاتی مرد با مشاهده‌ی زن تحریک و تهییج شود و به تشکیل خانواده اقدام کند. با این وجود سؤال من از زنان بی‌حجاب و بی‌بند و بار این است: \* اینک شما به مرگ، قبر، برزخ و قیامت عقیده ندارید؛ \* اینک شما مقام و منزلت خود را در نظام آفرینش درک نکرده و خود را نمی‌شناسید؛ \* اینک شما عزت، کرامت، شرافت

انسانی را زیر پا نهاده و به حیوانیت محض فکر می‌کنید؛ \* اینک نمی‌فهمید و نمی‌دانید با خود آرایی و پوشیدن لباس اندام نما و نیمه عریان و تحریک و تهییج مردان چه طوفان شدیدی در سراسر وجود مرد ایجاد می‌کنید؛ مع‌ذلک: سؤال- مردان و جوانان عذب چه گناهی دارند که باید از آتش شما بسوزند و راه چاره و گریزی نداشته باشند؟! این ظلم و جنایتی که شما در حق جوانان عذب روا می‌دارید، غیر از فرهنگ منحط غرب در چه قاموسی به عدل و نیکی معنا شده؟! یعنی در. نظام خلقت چه ظلم و جنایتی؛ چه فرومایگی؛ چه پلیدی و زشت‌خویی از این بالا-تر و رنج‌آورتر می‌شود که یک نفر کباب بره و برنج مرغوب و زعفرانی که محوطه‌ای را عطر آگین کرده، در معرض دید و شامه‌ی انسان گرسنه و قحطی زده که به هیچ نحو دسترسی به آن ندارد بگذارد و جسم و روح او را عذاب و شکنجه دهد؟! درعین حال این نکته را فراموش نکنید که ممکن است با حيله و نیرنگهای شیطانی، وجدان خود را فریب داده و به نحوی تمایلات شیطانی را توجیه کنید لیکن دست انتقام طبیعت قابل توجیه نیست و سریعاً مکافات شما را می‌دهد. این را بدانید که به حکم طبیعت ستمگر چو برف و ستم کش چو کوه همی رفت برف به جا مانده کوه \*\*\*\* آن قدر گرم است بازار مکافات عمل دیده گر بینا بود هر روز روز محشر است \*\*\*\* فرضاً که به نحوی بفریبی حریف خود از دست انتقام طبیعت چه می‌کنی؟! اگر به قبر، برزخ، قیامت هم عقیده ندارید به خاطر اینکه با بی‌حجابی و نشان دادن اعضا و اندام خود به مردها باعث استرس، اضطراب، التهاب و بدن لرزه‌ی مردها به ویژه جوانان شده‌اید و جسم و روح آنان را شکنجه داده‌اید خیلی سریع در همین دنیا سزایش را خواهید دید؛ از جمله اینکه روز خوش نخواهید داشت و هنگام بازگشت به خانه که باید محل سکونت، آرامش، راحتی و آسایش جسم و روح شما باشد، بر سر اندک چیزی به دعوا و نزاع و اختلاف... با اهل خانه پرداخته و به همان اندازه که بدن دیگران را لرزانده‌اید به حکم طبیعت باید بدنتان بلرزد و جسم و روحتان عذاب بکشد. به هر حال من از زنان بی‌حجاب می‌خواهم پاسخ این سؤال را (گناه مردان و جوانان چیست؟) به صورت مکتوب برای نگارنده ارسال نمایند تا در چاپهای بعدی ضمیمه‌ی کتاب کنیم.

### پیام جوانان و اثر بی‌حجابی در گسترش گناه

نامه و پیامهای زیادی از ناحیه‌ی جوانان به ما رسیده که آشکارا گفته‌اند به زنان بی‌حجاب بگوئید: تو را شب به عیش و طرب می‌رود چه دانی که بر ما چه شب می‌رود و گفته‌اند ما در اثر مشاهده وضع ظاهری زنان بی‌حجاب و بدحجاب به گناه کبیره مبتلا شده‌ایم... لیکن به خاطر مشابهت مطالب و پرهیز از اطاله‌ی کلام به تکرار مطالب به ذکر یک نمونه از آنها بسنده می‌کنیم. جوانی (با مشخصات محفوظ) که در معرض سقوط بوده و از طریق عمل به دستورات جلد اول نسخه‌ی جوان و... نجات یافته، در شرح حال خویش چنین گفت: من در دوران تحصیل از هوش و ذکاوت ویژه‌ای برخوردار بودم؛ به طوری که همیشه عالی‌ترین نمرات کلاس درس متعلق به من بوده.. تا اینکه با راهنمایی رفیق خائن و ناباب به عمل زشت و شنیع استمناء و خودارضایی دست زدم و از آن به بعد سیر نزولی بر من حاکم شد و نمرات درسم کاهش یافت. این بلای خانمان سوز تا آنجا مرا مبتلا کرد که با مشاهده‌ی حیوانات ماده و مناظر زیبا و نیز با دیدن کوچکترین اثر و شنیدن کلامی از جنس مؤنث به خود مشغول می‌شدم... بالاخره توسط یک رفیق مؤمن و متعهد، به کتاب نسخه‌ی جوان راهنمایی شدم و با انجام دستورالعملهای آن به لطف خدا و عنایت آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نجات یافتم. این جوان پس از شرح مفصّل از کم و کیف ابتلایش به بلا‌ی خودارضایی چنین گفت: من از شما تقاضا می‌کنم اگر ممکن است در کتابهایی که برای جوانان می‌نویسید این نکته را به آنان سفارش کنید که به طور کلی از دیدن فیلمهایی که زن در آنها کار کرده یا داستانهایی که از طریق رادیو و نوار کاست با صدای زن پخش می‌شود پرهیز نمایند، حتی از شنیدن صدای زن نامحرم از پشت دیوار پرهیز کنند که بسیار خطرناک و فتنه‌انگیز است و من خودم گرفتار این فتنه و فساد شده‌ام؛ به طوری که اگر صدای زنی را از جایی که او را نمی‌دیدم می‌شنیدم فکر شیطانی بر من چیره می‌شد و مرا به



عمل پلید خود ارضایی وامی داشت. پایان گفتار جوان نگارنده وقتی قضیه ی این جوان را به قرآن و روایات معصومین عرضه میکنیم، این معجزه ی قرآنی ظاهر می شود که خداوند خطاب به زنان پیغمبر فرمود: *فلاتخضعن بالقول الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً*. هنگام گفت و شنود با مرد نامحرم، صدای خود را کم و ----- ۱- سوره ی احزاب، آیه ی ۳۳. زیاد، بالا و پایین و ظریف و نازک نکنید. مبادا شنونده که شیطان قلبش را بیمار کرده، در شما طمع کند و در این راستا هم شما و هم او مرتکب گناه شوید؛ بلکه به صورت معمول و عادی سخن بگویید. و در آیه ی دیگر خطاب به مردها می گوید: ... و إذا سألتموهن متاعاً فاسئلهن من وراء حجاب ذلکم أطهر لقلوبکم و قلوبهن... ۱ هر گاه در انجام کارهای ضروری لازم باشد با زنان نامحرم داد و ستدی به عمل آورید، از پشت پرده و حجاب انجام دهید که داد و ستد از پشت پرده و حجاب، دل‌های شما مردان و زنان را از افکار شیطانی پاکیزه تر می گرداند و نه مردها متمایل به زنان و نه زنان متمایل به مردان نامحرم می شوند. و نیز در روایت مشهوری که از سرور زنان دو جهان، صدیقه ی کبری، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نقل شده، فرموده اند: بهترین چیز برای زن آن است که مردی را نبیند و هیچ مردی او را نبیند. هنگامی که تمام آیات و روایات مربوط به زنان را مورد دقت و ----- ۱- سوره ی احزاب، آیه ی ۵۴. بررسی قرار می دهیم و زنان بی حجاب را با نیازهای جوانان می سنجم، به این حقیقت غیر قابل انکار دست می یابیم که اگر زنان بی حجاب به عالم قبر، برزخ و قیامت اعتقاد ندارند و همه چیز را منحصر به همین دنیا و تمایلات حیوانی می دانند که هیچ... اما اگر به عالم پس از مرگ اعتقاد دارند و در عین حال بی حجاب و بی بند و بار و با وضع ناهنجار بیرون می آیند و باعث آلودگی جوانان و گسترش فساد و فحشا در جامعه می شوند، چه جوابی برای شب اول قبر و عالم برزخ تهیه کرده اند؟! به عبارت روشن تر وقتی یک جوان عزب از شنیدن صدای زن متأثر شده و به گناه کبیره- یعنی خودارضایی- دست می زند فکر کنید: چه طوفان شدیدی بر او چیره می شود؛ هنگامی که سر و گردن، سینه و گیسوان او را با آرایش و زینت و لباس اندام نما تماشا کنند؟! چه تندبادی سراسر وجودش رامی گیرد؛ هنگامی که ادا و اطوارهای مهیج و محرک زن بدسیرت و بی بند و باری را نظاره گر باشد؟! بنابراین با استناد به آیات و روایاتی که در خصوص حجاب متذکر شدیم می توان گفت: اکثر قریب به اتفاق مفاصد اخلاقی و انحرافات جنسی جامعه، مربوط به جنس مؤنث و رفتار و کردار و برخورد نامناسب و ناپسند زنان با مردان است و آن درصد بسیار کمی که احیاناً از ناحیه ی مردها سر می زند، آن هم اگر با دقت بنگریم به عملکرد زنان برمی گردد. یعنی اگر زنان جامعه سالم، عفیف، با حیا و حجاب باشند، مردها جرئت جسارت به آنان را ندارند. سروده ای درباره ی حجاب پرده زنه‌ها میفکن ز رخ چون قمرت تا مبادا رسد از چشم بد کس نظرت قمرت گفتم و تشبیه خطا کردم از آنک چون تو کس نیست که مانند کُنم بر دگرت غازه ۱ بر چهره مزین، سرمه به ابروت مکش که تو خوبی نتوان ساخت از این خوبترت بذله بسیار مگو با دهن کوچک خویش ترسم ارزان بشود گفته ی همچون شکرک کمتر از خانه برون پای بنه بی مادر به خیابان و به بازار کم افتد گذرت ز تماشای زر و زیور بازار نشود پایت سست که هوسها به دل افتد زنگاه و نظرت ----- ۱- غازه: گلگونه، سرخاب. پس نگهدار نظر را و نگهدار هوس که همین بوالهوسی ها فکند در خطرت بهترین زینت دختر نه مگر عفت اوست خود تو دانی چه بگویم من از این بیشترت

### بی حجابی بازگشت به زمان جاهلیت

قال الله الحکیم: و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیة الاولى و اقمن الصلوة و اتین الزکوة و اطعن الله و رسوله... ۱ به اصطلاح فقهی با الغاء خصوصیت، آیه خطاب به زنان مؤمنه و آزاده می فرماید: ملازم خانه های خویش باشید و برای کارهای غیر ضروری بیرون نیایید و مانند زنان عصر جاهلیت نخست (پیشین)، خود را بی حجاب و با زر و زیور و آرایش به مردها منمایید، نماز را بر پا دارید و زکات اموال خویش را بپردازید. و خدا و رسولش را اطاعت نمایید. ----- ۱- سوره ی

احزاب، آیه ی ۳۳. قبل از استدلال به آیه، توجه به یک نکته لازم است: و آن اینکه: مفسرین قرآن در خصوص زمان جاهلیت نخست اختلاف نظر دارند. برخی گفته اند: زمان بین حضرت آدم و حضرت نوح (علیهما السّلام) است. برخی گفته اند: زمان بین حضرت عیسی (علیه السّلام) و حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) است. گروهی گفته اند: منظور زمان قبل از اسلام است که برخی از آیات و روایات همین قول را تأیید می کند و نیز این اختلاف نظر در خصوص زمان جاهلیت دوم (بعدی) وجود دارد. اما در خصوص جاهلیت نخست - پیشین -، ما فعلاً کاری به زمان وقوع آن نداریم بلکه کار به عمل زنان آن زمان داریم تا بدانیم رفتار و کردار آنان چه بوده که خداوند به پیغمبرش سفارش می کند به زنان بگو مانند زنان عصر جاهلیت عمل نکنند. و اما در خصوص زمان جاهلیت دوم (بعدی)؛ می توان گفت هر جامعه ای که رفتار، کردار و فرهنگ مردم عصر جاهلیت نخست را زنده کند، مشمول عنوان جاهلیت دوم می شود. و اما عمل زنان در عصر جاهلیت نخست - پیشین - در عصر جاهلیت که تمدن و فرهنگ انسانی و اندیشه های دینی از بین مردم رخت بر بسته بود و تمایلات جنسی و غرایز حیوانی محور اصلی جامعه به شمار می رفت و حیا، عفت، شرافت و کرامت انسانی معنا و مفهوم خود را از دست داده بود؛ زنان آن عصر خود را با انواع زیورات می آراییدند و با گوشواره های جالب و جذاب و سر و گردن باز... بین مردم رفت و آمد می کردند؛ شاید از این طریق دوست و رفیق و مشتری بهتری را به دام اندازند و سود بیشتری ببرند. بر همین اساس وقتی وجود مبارک خاتم الانبیاء مبعوث به رسالت شد و آیین مقدس اسلام را آورد؛ زنان آزاده و مؤمنه را از حیوانیت محض و کالای تجارتمندی و سودآوری بودن نجات داد و با تقویت روح انسانی آنان و گرایش دادن به دین و قیامت و ترویج و تشویق به حیا، عفت و حجاب، چنان عزت، شرافت و مقام و منزلتی به آنان داد که در طول تاریخ بشریت وجود نداشت و همین حیا، عفت، عصمت و حجاب را بهترین، گویاترین و ارزنده ترین علامت و شاخصه ی زنان آزاده و مؤمنه معرفی کرد. بنابراین خداوند تبارک و تعالی خطاب به زنان فرهیخته و با ایمان می فرماید: شخصیت و مقام و منزلت خود را در نظام آفرینش بشناسید و در حفظ و حراست این عزت و کرامتی که اسلام عزیز به شما ارزانی کرده، نهایت دقت و کوشش را به عمل آورید و مواظب باشید دچار طوفان غریزه ی جنسی و تند باد تمایلات حیوانی نشوید و این عزت و شرافتی را که اسلام به شما هدیه کرده از روی جهل و نابخردی به رایگان از دست ندهید. یعنی خود را باور کنید و مقام و منزلت انسانی خویش را بشناسید و هرگز خود را بی حجاب و با آرایش و زینت و لباس زننده در معرض دید نامحرمان قرار ندهید که این شیوه ی رفتار زنان عصر جاهلیت است که تماماً به حیوانیت می اندیشیدند نه انسانیت. ریشه واژه ی «فرهنگ منحط غرب» از همین آیه اکنون که ذکر این آیه ی شریفه به میان آمد، جا دارد فرصت را غنیمت شمرده و این سؤال را به صورت اجمالی پاسخی دهیم که به ما گفته و می گویند: شما در تمام تألیفات خود هر جا بحث اخلاق و فرهنگ؛ پیش می آید به تناسب موضوع، فرهنگ غنی، پرمحتوا و انسان ساز اسلام را مطرح نموده... و فرهنگ غرب را منحط و گاهی پلید، پست، فاسد و... معرفی می کنید. در این صورت نسبت این کلمات به جهان غرب بر چه اساسی است؟ قبل از پاسخ، ضروری است بدانیم لفظ، «منحط» و «انحطاط» عربی و مفردش حَطَطَ است به معنای: ناچیز؛ وازده؛ پست؛ فساد؛ سقوط؛ افتادگی؛ تنزل و فرود آمدن و در یک جمله انحراف از مسیر صحیح و عقلایی را انحطاط می گویند. اکنون که معانی این لفظ دانسته شد، به پاسخ سؤال توجه کنید: اولاً: اکثر قریب به اتفاق دانشمندان و اندیشمندان منصف غرب این واژه را به طور مکرر درباره ی خودشان به کار برده ۱ و از وضع و فرهنگ موجود غرب نالان، ناراضی و ناراحتند. ثانیاً: چنانچه به آیه ی فوق و تفسیر اجمالی آن دقت شود، پاسخ این سؤال به طور شفاف به دست می آید؛ یعنی وقتی دو موضوع و معنای ذیل را در کنار هم می گذاریم جواب سؤال به دست می آید: ۱- حجاب در تمام ادیان الهی و از جمله دین حضرت مسیح (علیه السّلام) بوده است. ۲- از آنجا که جهان غرب اکثراً مسیحی هستند و باید به حکم خدا و پیغمبرشان با حجاب باشند؛ لیکن در برهه ای از تاریخ این قانون الهی را زیر پا گذاشته و از مسیر دین خارج شده و راه انحطاط یعنی وازدگی، پستی، فساد را برگزیده و از قله ی انسانیت به حسیض ----- ۱- برای آگاهی از این حقیقت به کتاب

اعترافات تألیف نگارنده و استاد و مأخذ آن رجوع شود. حیوانیت سقوط کرده و عنوان جاهلیت را به خود گرفتند. نتیجه اینکه، چون جهان غرب به ویژه زنانشان کرامت، شرافت و عزت را که خداوند به آنان داده پاس نداشته و فرهنگ منحط عصر جاهلیت را همچنان زنده نگه داشتند؛ لذا اطلاق واژه ی انحطاط به آنان کاملاً بجا و بمورد است و یک واژه ی قرآنی است. کما اینکه اطلاق هر یک از معانی فارسی آن یعنی وازدگی، پلیدی، پستی و فساد بر هر جامعه ای اعم از شرقی یا غربی، شهری یا روستایی، مسلمان یا غیر مسلمان که فرهنگ عصر جاهلیت را برگزیند کاملاً بجا و بمورد و برگرفته از قرآن مجید است.

### خانمها خود را در محل اتهام نگذارند

قال علی (علیه السّلام): من عرض نفسه لثمهة به فلا- یلومن من اساء الظن به. ۱. امیرمؤمنان علی (علیه السّلام) فرموده اند: کسی که خودش را در جایگاه اتهام قرار دهد، چنانچه مردم به او گمان بد بردند و نسبت به او بدبین شدند و او را به معصیت و گناه متهم ----- ۱- غررالاحکم، کلمه ی ۱۲۲۸. نمودند، ناراحت نشود و از گمان مردم بدش نیاید که چرا به من بدبین اند؛ بلکه باید خودش را ملامت و سرزنش کند که خودش را در محل اتهام قرار داده است. یعنی یک شخص مؤمن، اهل نماز، روزه، حیا، حجاب و عفت موظف است به بایدها و نبایدهای ذیل عنایت کامل داشته باشد: ۱- باید از مراکز گناه مانند مجالس رقص و شرب خمر، دیسکوها، پارتی ها، اکس پارتی ها و قمارخانه ها و محافل نامشروع پرهیز نماید و تحت هیچ عنوانی در آن مراکز رفت و آمد نکند. ۴- باید از اهل گناه و معصیت و شخص یا اشخاص فاسد، بی بند و بار، لا ابالی، بی نماز، بی حجاب... جداً دوری گزیند و به هیچ عنوانی با آنان تماس نداشته باشد. ۳- باید از پوشیدن لباسهای جلف و زننده و تقلید رفتار، کردار و اطوارهای اهل معصیت پرهیزد و خود را به شکل و شمایل آنان در نیورد. ۴- موظف است به ملاکها و معیارهای ارزشی جامعه احترام بگذارد و از رفتار و کردار و اطوارهای نامناسب پرهیز نماید. و اگر به بایدها توجه نکند و نبایدها را مرتکب شود، این را بداند که مورد اتهام عام و خاص جامعه قرار می گیرد و مردم او را فردی فاسق، فاجر، اهل گناه و... می شمارند و اگر به راستی خودش آدم خوبی است و اهل آن گناه نیست؛ چون ظاهراً با اهل معصیت مراد و مجالست دارد، از آنجاکه مردم مأمور به ظاهرند؛ لذا بر حسب مشاهدات خود او را متهم می کنند. در این صورت نباید ناراحت شود که چرا مردم نسبت به او بدبین شده اند؛ بلکه باید خود را ملامت کند که چرا به ارزشهای اجتماعی احترام نگذاشته و خود را در معرض اتهام قرار داده است.

### آنان که می گویند حیا و عفت به حجاب نیست!؟

#### حیا و عفت در قالب مثال

فرض کنید قرار است همایشی از زنان کل کشور برگزار شود و فرمانروای کل کشور، رئیسی برای این همایش تعیین کرده و دستورالعملی به او داده؛ از جمله این که دستور داده هر خانمی در حد شناخت و شعورش یک قطعه از جواهرات گرانسنگ خود را بیاورد تا در موزه ی جواهرات کشور بگذاریم و در دفتر موزه به نام صاحبش ثبت نماییم. ضمناً طبق ارزیابی و نظر کارشناسان به فراخور ارزش هر یک، جایزه و پاداشی به صاحبش خواهیم داد. در پایان همایش وقتی جواهرات را جمع آوری کردیم به سه قطعه پلاک سینه برمی خوریم که بیانگر سه طرز تفکر متفاوت و هر یک نیز بیانگر حد و اندازه ی درک و شعور صاحبش می باشد. پلاک اول؛ بزرگ و به صورت حلبی زنگ زده یا مس، فرسوده و غیر عادی است. از صاحبش می پرسیم این حلبی یا مس فرسوده چیست؟! در پاسخ می گوید، این حلبی نیست؛ بلکه طلای ناب و تمام عیار است که آن را در قالب حلبی یا مس جاسازی کرده ام. از او می پرسیم چرا این کار را کردی؟! جواب می گوید: از دیدگاه من اصل و باطن باید درست و خوب باشد، ظاهر مهم نیست



هر طوری شد، عیب ندارد. پلاک دوم؛ بزرگ، سنگین و به صورت طلای ناب درخشان، براق و در عین حال غیر عادی است. از صاحبش می‌پرسیم: تمام این پلاک طلای ناب است؟! در پاسخ می‌گوید: نه تمامش طلا نیست؛ بلکه آهن زنگ زده است و از آن رو که می‌خواستیم در این جلسه شرکت کنم، برای حفظ آبروی خود و خانواده‌ام، ظاهر آن را آب طلا زده‌ام تا در انتظار مردم خجالت نکشم... پلاک سوم؛ هم از نظر اندازه و هم از نظر وزن و ظاهر به صورت عادی و معمولی است (طلای کم عیار یا تمام عیار). از کم و کیف آن جويا می‌شویم و صاحبش در پاسخ می‌گوید: حقیقت این است که من همین را داشتم، خوب یا بد، ارزان یا گران و....

### ارزیابی و قضاوت بر این طرز فکرها

اینک اگر یک زن اندیشمند، فرهیخته، فهمیده، بادرک و شعور عالی را به مشاوره و قضاوت بگیریم و از وی بخواهیم این سه طرز تفکر را برای ما ارزیابی کند و بگوید کدامیک با عقل سلیم و منطق صحیح سازگار است، او در جواب خواهد گفت: ادعای زن نفر اول: از دو حال خارج نیست؛ یا راست می‌گوید یا دروغ؛ اگر راست می‌گوید؛ معلوم می‌شود که دیوانه است و از نعمت عقل و منطق سالم محروم است؛ زیرا عقل سلیم و منطق صحیح حکم می‌کند که اشیاء قیمتی را همانگونه که هست در معرض دید گذاشت نه اینکه آن را زیر حلبی زنگ زده یا کثافت پنهان نمود و به صورت بی‌ارزش جلوه داد. پس این بیچاره مشکل روانی دارد و باید به پزشک معرفی شود. یا دروغ می‌گوید؛ یعنی زنی است حقه‌باز، حيله‌گر، مزور و دروغگو و در حقیقت چیزی جز همین حلبی زنگ زده نداشته و با ادعای دروغ می‌خواهد ارزش طلا- را لوٹ کند و بی‌اهمیت جلوه دهد و ارزش آهن زنگ زده یا مس فرسوده را در ردیف طلای ناب؛ بلکه مهم‌تر از آن جلوه دهد. پس این طرز تفکر در هر دو صورت مورد اتهام عامه‌ی مردم است؛ یا دیوانه، بی‌درک و شعور است و یا حقه‌باز و دروغگو. نفر دوم: اگر چه حقیقت را پنهان ساخته و نوعی نیرنگ به کار برده؛ لیکن ارزشهای اجتماعی و دیدگاه مردم را نسبت به طلا ارج نهاده و به رسمیت شناخته و ظاهر را حفظ نموده است. پس به همین اندازه که به ارزشهای اجتماعی ارج نهاده، قابل تقدیر و تشکر و پاداش است و نعوذ بالله اگر باطنش فاسد و تبهکار است خود می‌داند و خدایش که چه کرده و چه سزایی دارد... نفر سوم: صداقت و سلامت نفس دارد؛ زیرا ظاهر و باطن را همان‌طور که هست در معرض دید عموم قرار داده؛ پس نفر سوم از همه منصف‌تر، سالم‌تر و عاقل‌تر است.

### مقایسه‌ی این مثال با زنان مورد بحث

همایش: زنان مسلمان در مقابل کفار، مشرکین، منافقین و... فرمانروای مطلق: ذات اقدس الهی، آفریدگار جهانیان. رئیس همایش: وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله). دستورالعمل: قرآن مجید و فرمایشات رسول مکرّم اسلام. جواهر گرانسنگ: عفت، عصمت، نجابت و... معیار و وسیله‌ی سنجش ظاهری: حجاب و پوشش کامل قبل از مکالمه و همنشینی و پی‌بردن به باطن طرف. موزه‌ی جواهرات کشور: طول عمر و زندگی جاوید پس از مرگ. دفتر ثبت: نامه‌ی اعمال در طول عمر. نتیجه و پاداش: در حدی که به تکلیفش عمل کرده و در همین دنیا مورد اکرام، اعزاز و احترام مردم واقع می‌شود؛ در هنگام مرگ، عالم قبر، برزخ و قیامت، پاداش نیک خواهد داشت و در حدی که به این دستورالعمل بی‌اعتنایی کرده و آن را سرسری شمرده، مورد ملامت، مذمت و سرزنش اهل ایمان است و در آخر عمر پشیمان و سرافکننده و در هنگام مرگ و عوالم پس از مرگ، عقاب و عذاب در انتظار او خواهد بود. به عبارت روشن‌تر «عفت، عصمت و حیا» برای زن به منزله‌ی طلای ناب و گوهری گرانسنگ است. ۱. معدن و منشأ این طلا- و گوهر «خودشناسی و خداشناسی» است. وسیله‌ی سنجش و تشخیص عیار این طلا- (حجاب و پوشش) است. ----- ۱- شایان ذکر است بسیاری از مثال‌ها و تشبیهات فقط برای تقریب ذهن و تفهیم

مطلب به کار می‌رود، نه به عنوان برابری؛ یعنی حیا، عفت و عصمت قابل مقایسه با طلا و یا هر شیء قیمتی نیست؛ زیرا ارزش هر شیء قیمتی هر چند زیاد باشد، بالاخره محدود، قابل خرید و فروش است؛ اما ارزش حیا، عفت و نجابت به معنای واقعی اش نامحدود و غیر قابل خرید و فروش است. در برگ گل، شمیم عطر و گلاب است مستتر در پرده ی حجاب، حیا و عفاف است مستتر هر چه خودشناسی و خداشناسی او بیشتر و عمیق تر باشد؛ حیا، عفت و عصمتش افزون تر و عمیق تر خواهد بود و هر چه عفت، عصمت و حیایش بیشتر و کامل تر باشد، حجابش دقیق تر و کامل تر و رفتار و کردارش حساب شده تر خواهد بود. مقایسه ی دسته ی اول- زنی که بدحجاب یا بی حجاب و با وضع زننده و مهیج در مجامع عمومی حاضر می‌شود و در مقام اعتراض می‌گوید من حیا، عفت دارم؛ مانند زنی است که پلاک سینه ی آهنی و زنگ زده را به جای طلای ناب عرضه کرده است. این گروه از زنان از چند صورت ذیل خارج نیستند: اول اینکه: معنا و مفهوم حیا و عفت و حجاب را نمی‌دانند و در اثر جهل و نابخردی دچار انحراف فکری شده و نمی‌دانند چه می‌کنند و چه می‌گویند. دوم اینکه: درک و شعور خود را از دست داده و در اثر مشکل روانی با آن وضع بیرون می‌آیند و این حرف را می‌زنند. سوم اینکه: هم معانی فوق را می‌دانند و هم درک و شعورشان بجا است؛ لیکن دستخوش هوی و هوس و نفس امّاره شده و با این کار و حرفشان می‌خواهند حقایق را واژگون جلوه دهند و ارزشهای دینی و اجتماعی را پایمال کنند و شناخت و دیدگاه مردم را به باد مسخره و استهزاء بگیرند. این گروه از زنان، خائن به جامعه و ارزشهای انسانی هستند که باید مورد اعتراض و شکایت قرار بگیرند. دسته ی دوم: زنانی هستند که نعوذ بالله در باطن فاسد و بدکاره اند و به طور کلی عاری از حیا، عفت و نجابتند؛ ولی ظاهر خود را حفظ کرده و با حجاب و پوشش کامل بیرون می‌آیند (آهن زنگ زده با روکش طلای ناب). و همین حجاب ظاهری، عیب‌ها و زشتی‌های او را در انظار کسانی که وی را نمی‌شناسند می‌پوشاند. به عبارت روشن تر: حیا، عفت و نجابت یک امر نفسانی، باطنی و معنوی است که حد و اندازه ی آن با مکالمه و همنشینی با طرف به دست می‌آید. بر همین اساس، اسلام عزیز فرموده: تا زمانی که این گفت و شنود و همنشینی برقرار نشده و از وجود یا عدم شدت یا ضعف حیا، عفت و نجابت طرف مقابل آگاه نیستند، باید قیافه ی ظاهری و رعایت ارزشهای دینی و اجتماعی وی ملاک و معیار برخورد قرار گیرند. و اما پاداش و جایزه ی او، طبق نظر کارشناس، مفاسد و تبهکاری‌های او (آهن زنگ زده) ارزیابی می‌شود و به مثابه آن، عذاب و عقاب جهنم می‌دهند و برای اینکه ظاهر را حفظ کرده و ارزشهای دینی و اجتماعی را ارج نهاده (قرار دادن روکش طلا بر روی آهن زنگ زده) و با حجاب بیرون آمده، به همین اندازه پاداش نیک می‌گیرد. دسته ی سوم: زنانی که خود را همانگونه که هستند (طلای کم عیار یا تمام عیار) جلوه می‌دهند. همانگونه که قبلاً اشاره شد، کم و کیف حجاب این گروه از خانمها بستگی به کم و کیف خودشناسی و خداشناسی آنان دارد؛ هر چه خود و خدا را بیشتر و عمیق تر بشناسند، به همان اندازه حیا، عفت، عصمت و نجابتشان بیشتر است و هر چه حیا و عفتشان بیشتر باشد، حجاب و پوشش آنان کامل تر و دقیق تر خواهد بود.

### نتیجه ی کلام

از حدیث پرهیز از موارد اتهام و مثال و مقایسه ی ذیل حدیث به این نتیجه رسیدیم که زنان بی حجاب یا بدحجاب که با وضع زننده و مهیج بیرون می‌آیند و هنگامی که با اعتراض مردم مواجه می‌شوند، می‌گویند حیا و عفت به حجاب نیست، یا می‌گویند ای کاش ذات انسان با حیا و عفت و نجیب باشد، یا برو دلت را پاک کن و... آنان یا معنا و مفهوم حیا، عفت و حجاب را نفهمیده اند و از روی جهل و نا آگاهی این حرف را می‌زنند، یا معنا و مفهوم اینها را به خوبی می‌دانند و عالماً و عامداً با وضع نامناسب بیرون می‌آیند؛ در این صورت قطعاً انگیزه ی شیطانی و مرض نفسانی دارند... و چنانچه پس از گفت و شنود و آگاهی از اندیشه و عقاید آنان معلوم شد انگیزه ی شیطانی ندارند، طبعاً جزء دسته ی سوم محسوب می‌شوند؛ یعنی خودشناسی، خداشناسی و معرفت آنان بسیار ضعیف و ناچیز است و عقل و درکشان بیش از آنچه عمل کرده اند و آنچه می‌گویند نرسیده و نمی‌رسد... در این صورت

باید کاری کرد که سطح معرفت و شناخت آنان را بالا برد تا به تکلیف خود آشنا و عامل شوند.

## نامه‌ی یک بانوی مسلمان خارج از کشور

مولای متقیان علی (علیه السلام) فرموده اند: من اشتاق الی الجنة سلا عن الشهوات. ۱ آن که عاشق و دل‌باخته‌ی بهشت است، تمایلات نفسانی را فراموش می‌کند و به آنها پشت پا می‌زند و در راه رسیدن به ----- ۱- غررالحکم، کلمه‌ی ۹۲۸. مطلوب، تحمل هر رنج و زحمتی را آسان و راحت می‌بیند. یک بانوی مسلمان خارج از کشور ضمن نامه‌ی ای به یکی از مراجع بزرگوار تقلید اظهار نموده: من از جنابعالی تقلید می‌کنم و شما در خصوص حجاب خانمها فرموده اید: احتیاط واجب پوشاندن تمام بدن و حتی الامکان وجه و کفین است... من کارمند هستم و در خارج از منزل کار می‌کنم. ابتدا عمل به این احتیاط، کاری مشکل و دشوار به نظر می‌رسید که چگونه می‌توان عمل کرد. در عین حال عزم خویش را جزم نمودم و مصمم شدم این فریضه‌ی الهی را انجام دهم. با وجود این که در ابتدا خیلی سخت و مشکل به نظر می‌رسید ولی پس از چند روز دیدم نه تنها سخت نیست، بلکه یک امر عادی و خیلی سهل و آسان است. ضمن این که مقید بودن من به حجاب، ابهت و شخصیت ظاهری مرا در محیط کارم چند برابر کرده و احترام خاصی برای من قائل می‌شوند. هم اکنون خیلی خوشحال و خرسندم که خداوند تبارک و تعالی مرا در انجام این فریضه‌ی الهی یاری نمود و با توجیحات موهن و بی‌اساس و نیز با وسوسه‌های شیاطین درونی و برونی مبارزه کردم و از انجام این فریضه‌ی الهی و پاداش بزرگ آن محروم نشدم... ضمناً این نکته را هم عرض کنم که گمان من نسبت به زنان ایرانی این بود که آنان را مانند فرشته‌های آسمانی تصور می‌کردم و بر این باور بودم که تماماً با حجاب کامل در مجامع عمومی رفت و آمد می‌کنند، و میگفتم خوشا به حال آنان که در یک جامعه‌ی متمدن و تکامل یافته‌ی اسلامی زندگی می‌کنند و با همین فکر و خیال آرزو داشتیم به ایران سفر کنم و آنان را از نزدیک ببینم. لذا با وجود مشکلات فراوان به ایران آمدم و باکمال تا سَف دیدم برخی از خانمها در اثر عدم آگاهی به موقعیت دینی، سیاسی و اجتماعی خود، نسبت به حجاب سهل‌انگارند و متأسفانه نمی‌دانند جامعه‌ی ایرانی به ویژه خانمها در خارج از ایران چه بازتابی دارند و مردم دنیا درباره‌ی آنان چه نظرات مثبتی دارند و آنان را مترقی‌ترین و متمدن‌ترین مردم جهان می‌شمارند.

## آتش‌گریزه با تحریک آن خاموش نمی‌شود

بلکه شعله ورمی گر دد لقمان حکیم به فرزندش فرمود: یا بنی الشّر لایطفی بالشّر کالتار لایطفی بالتار و لکنه یطفی بالخیر کالتار یطفی بالماء. ۱ فرزندم! بدان که فساد و تباهی را با فساد و تباهی نمی‌توان برطرف نمود، همان‌گونه که آتش را با آتش نمی‌توان خاموش کرد؛ بلکه فساد و زشتی را باید با خیر و خوبی برطرف ساخت، همان‌گونه که شعله‌های آتش با آب فرومی‌نشینند. با توجه به مطالب گذشته و این حدیث شریف، آن دسته از خانمها که تحت فشار گریزه واقع شده و با لباس نامناسب، اندام نما و قیافه‌های زننده بیرون می‌آیند؛ مثالشان مانند کسی است که خانه‌اش آتش گرفته و دست و پایش را گم کرده و به هول و هراس افتاده و برای خاموش کردن آتش به هر وسیله‌ای متوسل می‌شود و در اثر هول و هراس و شتابزدگی کاری می‌کند که آتش شعله ورت‌تر و گسترده‌تر می‌شود. به عبارت روشن‌تر حدیث فوق می‌فرماید: شر گریزه‌ی جنسی، نفس‌امیاره و شیاطین درونی و برونی را با شری‌مانند خودشان (لباس و قیافه‌ی مهیج...) نمی‌توان سرکوب و منکوب ساخت؛ بلکه باید با ----- ۱- مجموعه‌ی ورام، ج ۲، ص ۲۳۱. رقیبش یعنی خیر و خوبی (حجاب کامل بدون زر و زیور و بی‌آرایش) سرکوب نمود. بنابراین آن زنی که بی‌حجاب یا بدحجاب و با آرایش... در مجامع عمومی رفت و آمد می‌کند، ممکن است در اثر مدهوشی و فشار گریزه چند ساعتی متوجه خود نباشد و به خیال خودش لذت ببرد؛ لیکن از آنجا که رفتار و کردارش برخلاف فرمان خدا و نیز

برخلاف عرف جامعه‌ی اسلامی و منطق انسانی بوده، وقتی به محل سکونتش برمی‌گردد از لحاظ جسمی با جنگ اعصاب، بی‌خوابی، تشویش خاطر، تشتت فکر، بد اخلاقی، پرخاشگری، سردرد مزمن و همچنین به سایر مضراتی که قبلاً گفتیم مبتلا می‌گردد. و نیز از لحاظ روحی بر حسب معتقداتش متأثر می‌شود؛ اگر اعتقادی به خداوند و جهان پس از مرگ ندارد که هیچ، ولی اگر ایمان به خدا و روز قیامت دارد (چون با اراده و اختیار خود از فرمان الهی سرپیچی کرده و به صورت آشکار مرتکب گناه شده) بعد از اینکه به خود آمد، مورد ملامت نفس لوامه قرار می‌گیرد که چرا چنین و چنان کردم و همین امر مرتب او را شکنجه‌ی روحی می‌دهد. چو شهوت آتش است از وی پرهیز به خود آن آتش دوزخ مکن تیز در آن آتش نداری طاقت سوز به صبر آبی بر آن آتش فرو ریز

### حیا و حجاب کامل، عیوبات رامی پوشاند

امیرمؤمنان (علیه السلام) فرموده اند: من كساه الحياء ثوبه خفي عن الناس عيبه. کسی که لباس حیا او را بپوشاند، عیب و زشتی او از نظر مردم پنهان می‌ماند. بر اهل خرد و دانش پوشیده نیست که انسان، مخلوق است و هیچ مخلوقی بی عیب و نقص نیست. با این تفاوت که کمبودها در همه‌ی انسانها یکسان و یکنواخت نیست؛ بلکه هر انسانی از یک جهت و از یک ناحیه کمبود دارد. عیوبات و نواقص بدنی انسان را می‌توان به سه قسم تقسیم نمود. یک قسم: کمبودهایی هستند که آشکار است، همه می‌بینند و نمی‌توان مخفی کرد. قسم دوم: کمبودهایی هستند که فقط خود انسان و مباشرین دائمی او می‌دانند، ولی از نظر عموم مردم پنهان است. ————— ۱- غر بالحکم، کلمه‌ی ۸۵۳. قسم سوم: کمبودهایی هستند که اهل خبره و استادان فن متوجه می‌شوند، در حالی که خود انسان متوجه آن نیست یا آن را عیب و نقص نمی‌شمارد؛ لکن همانگونه که در صفحات قبل گفتیم بسیاری از عیوب و نواقص بانوان از جمله دانستیهای است که نباید گفت؛ زیرا بار منفی گفتن آن بیشتر از بار مثبت آن است. بنابراین به لحاظ رعایت اخلاق اسلامی و حفظ اسرار جامعه به ویژه دختران از ذکر آنها پرهیز نموده و به یکی از آنها که می‌توان گفت اشاره می‌کنیم؟ و آن صفات مردانه داشتن زن است که خیلی دوست دارد خود را به شکل و شمایل مردها درآورد و این صفت را ابتدا به وسیله‌ی پوشیدن لباس مردانه بروز می‌دهد.

### زنانی که خود را به شکل مردها درمی‌آورند

عن أبي جعفر (عليه السلام) قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) لعن المتشبهين من الرجال بالنساء ولعن المتشبهات من النساء بالرجال. امام محمد باقر (علیه السلام) فرموده اند: رسول خدا (صلى الله عليه وآله) لعن و نفرین فرستاد بر مردهایی که خود را به شکل و شمایل زنان درمی‌آورند. ————— ۱- البحار، ج ۷۶، ص ۳۴۱. همچنین لعن و نفرین کرد زنانی را که خود را به صورت مردها جلوه می‌دهند. طبق این روایت زنانی که دوست می‌دارند لباس مردانه بپوشند و خود را به شکل و شمایل مردها درآورند و از زن بودن خود ناراحتند و رنج می‌برند؛ از یکسو مورد لعن و نفرین رسول خدا و خاندان وحی واقع شده‌اند و از سوی دیگر چون برخلاف طبیعت خویش عمل می‌کنند از نظر علمی و روانکاوی مریض، علیل و ناقص محسوب می‌شوند. کما اینکه اگر مردی هم از مرد بودن خود رنج می‌برد و خود را به شکل و شمایل زنان درمی‌آورد آن هم مریض، علیل و ناقص است. به عبارت روشن‌تر؛ برخی خانمها صفات مردانه دارند و برخی از مردها صفات زنانه و چه بسا از جنسیت موجود خود ناراحتند؛ این‌ها از جمله عیوب و نواقصی هستند که شاید خود شخص متوجه نباشد و آن را عیب نداند، ولی اهل خبره متوجه می‌شوند و از پیامدهای ناگوار آن آگاهند که تشریح آن از مجال فعلی ما خارج است. به هر حال این حالتها در گفتار، برخوردها، ادا و اطوارها، انتخاب لباس و شکل و شمایل ظاهری بروز می‌کند. مثلاً در مرحله‌ی اول به وسیله‌ی لباس و قیافه‌ی ظاهری ابراز می‌

شود؛ یعنی زنی که صفات مردانه دارد، این صفت را با پوشیدن لباس مردانه و خود را به شکل و شمایل مردها در آوردن، نشان می‌دهد و نیز مردی که صفات زنانه دارد، خود را به قیافه‌ی دختران درمی‌آورد؛ در حقیقت هر دو مافی الضمیر خود را به نمایش می‌گذارند و عیب و نقص پنهانی خود را ظاهر می‌سازند و این صفت تا آنجا پیش می‌رود که بسیاری از آنان از جنسیت فعلی خود رنج می‌برند؛ در صورتی که خداوند تبارک و تعالی نظام هستی را بر این اساس استوار ساخته که هر موجودی را صفاتی درخور استعداد و جایگاهش، در نظام خلقت عطا فرموده و تغییر و تبدیل آن را امری خلاف دانسته است. جهان چون زلف و خط و خال و ابرو است که هر چیزی به جای خویش نیکوست زن کامل آن است که تمام صفات زنانه را دارا باشد، کما اینکه مرد کامل آن است که تمام صفات مردانه را دارا باشد. و هر دو به آنچه خداوند به آنان عطا فرموده، راضی، مفتخر و خرسند باشند. نتیجه‌ی کلام: با توجه به نکات فوق از آنجا که آگاه شدن دیگران از نقص‌های خانمها بار منفی دارد و اگر دختر خانه باشند چه بسا باعث تأخیر ازدواج آنان و ماندن در خانه‌ی پدر شود، بهترین وسیله برای پنهان داشتن نواقص، حجاب کامل است. به عبارت روشن‌تر اگر خانمی خود را تسلیم اوامر و نواهی خداوند کند و به عنوان اطاعت از فرمان خدا با حجاب کامل بیرون آید، همین اطاعت و فرمانبری او، عیوبات او را از نظر مردم پنهان می‌دارد. و نیز به وسیله‌ی حجاب موقعیت اجتماعی و شخصیت او حفظ و بسیاری از مشکلاتش حل می‌شود.

### قیافه‌ی ظاهری و لباس، اولین معرّف انسان

حسب نقل، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده اند: المؤمن مرآة المؤمن. ۱. مؤمن آینه‌ی مؤمن است. یعنی همانگونه که آینه زشتی و زیبایی‌های انسان را منعکس می‌کند و او را به اصلاح و برطرف ساختن عیوب و نواقص وامی‌دارد؛ انسان مؤمن نیز برای برادر و خواهر ایمانی خود به منزله‌ی همان آینه است، با این تفاوت که آینه در آن واحد زشتی و زیبایی یک طرف انسان را منعکس می‌کند و از سایر جهات ساکت است، اما مؤمن در آن واحد تمام حالات، رفتار، کردار و گفتار برادر و خواهر مسلمانانش را می‌بیند و در صورت درخواست، تمام مشاهداتش را بیان می‌کند. با توجه به این حدیث اگر اجازه بفرمایید نگارنده به عنوان آینه، برداشته‌های مردمی را از قیافه‌ی ظاهری آنان منعکس کنم و به آنان بگویم قیافه‌ی ظاهری و لباس در معرفی انسان، حرف اول را می‌زند؛ یعنی هنگام ملاقات و معارفه‌ی دو نفر ناشناس به یکدیگر، هر یک ————— ۱- البحار، ج ۷۴، ص ۲۶۸. از آنان قبل از پی بردن به عقل، درک و فهم طرف مقابل، اول لباس و قیافه‌ی ظاهری او را برانداز می‌کند و بر اساس شناخت ظاهری موضع‌گیری می‌نماید، سپس به شناخت عقل، درک و فهم او می‌پردازد که از طریق گفت و شنود به آن می‌رسد. بر همین اساس اگر یک نفر سفیه (ابله) لباس محترمین و متشخصین را بپوشد و در مجلس و محفلی وارد شود، اهل مجلس به احترام او برپا می‌خیزند و از وی تجلیل می‌کنند... و آنگاه که لب به سخن گشود، متوجه می‌شوند احترامشان بی‌جا و بی‌مورد بوده است. در مقابل اگر فیلسوف و دانشمندی ناشناس با لباس جلف، زننده و... در محفل بزرگان و محترمین وارد شود نه تنها به او احترام نمی‌گذارند بلکه از باب تحقیر به او اشاره می‌کنند همانجا بنشین. اینک با توجه به حدیث و مثال فوق آن دسته از جوانان (دختر و پسر) که به قول خودشان تیپ می‌زنند و با قیافه‌ها و لباسهای نامناسب و غیر عادی و نامتعارف در مجامع عمومی حاضر می‌شوند و گمان می‌کنند خیلی خوشگل و خوش تیپ شده‌اند، لازم است این واقعیت را بدانند که آن لباس و آن قیافه‌ی کدایی، زیبایی آنان را پنهان ساخته و شکل و شمایل و ترکیب آنان را به صورتی نامناسب جلوه می‌دهد و اگر دیدند در معابر و محافل چشم کسی به آنان خیره شده این نگاه معنا و مفهوم خاص خودش را دارد یعنی... در عین حال تبلیغات سوء، خود محوری، سبک مغزی، خودبزرگ بینی و جهل مرکب، تمام آینه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را دربر گرفته و هیچ کس زشتی‌ها و ناپسندی‌های آنان را به اطلاعشان نمی‌رساند؛ ولی در غیابشان حرفهایی می‌زنند که جای ذکرش اینجا نیست. نتیجه‌ی کلام اینکه شما جوانان (دختر

و پسر) می بایست در انتخاب لباس از حیث رنگ، نوع، مدل و... نهایت دقت را به عمل آورید؛ چرا که لباس قبل از هر چیز معرف شخصیت شما و بیانگر عقل، درک و اندیشه ی شما می باشد و بنابراین الگو، قیافه و لباسی را انتخاب کنید که شخصیت فردی و اجتماعی شما را زیر سوال نبرد.

### لباس جلف و زننده یا وسیله ی عقده گشایی

حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: من لم يعرف نفسه بَعْدَ عن سبیل النجاة وَخَبَطَ فی الضلال و الجهالات. ۱ کسی که خود را نشناخته از راه هدایت و نجات دور افتاده، بصیرت را از دست داده، بیراهه رفته و در گمراهی و نادانی ها ----- -- ۱- غرالحکم، کلمه ی ۱۳۷۲. می افتد. به دیگر سخن: خودشناسی از ابعاد مختلف باعث ترقی و تکامل مادی و معنوی انسان می شود؛ هر چه خود را بهتر، بیشتر و عمیق تر بشناسد، به همان اندازه به کمال مطلق نزدیک می گردد؛ کما اینکه خودناشناختی باعث رکود و جمود فکری می شود و انسان را از شناخت حقایق باز می دارد و او را به گمراهی و جهالت سوق می دهد. نگارنده در شهرهای مختلف با پسران و دخترانی که با لباس جلف، زننده و نامناسب در مجامع عمومی حاضر می شدند برخوردها و مناظراتی داشته ام و خیلی شفاف و صریح به آنان گفته ام: این قیافه ی زشت و عار و ننگ چیست برای خود درست کرده اید؟ و چرا با این لباس و قیافه ی زننده بیرون آمده اید که انگشت نمای مردم شوید؟...» گفت و شنودی در این زمینه با آنان داشته ام که ماحصل جواب آنان تنها یک جمله بود و آن اینکه: ما اصلاً با این لباس و قیافه بیرون می آییم که مردم به ما نگاه کنند!! من هم به هر یک از آنان جواب مناسب خودشان را دادم که جای ذکرش اینجا نیست. ولی از مجموع گفت و شنودها معلوم شد کسانی که با لباس و قیافه های نامتعارف، غیرطبیعی... بیرون می آیند، تماماً در اثر کمبود شخصیت و مشکل روانی است. طبق روایت فوق این بیچاره ها از آنجا که مقام والای انسانی خود را نشناخته اند، از شناخت حقیقت باز مانده و از حیث عقل و اندیشه به قدری علیل و ناتوان گشته اند که نگاه دیگران را برای خود نوعی شخصیت و امتیاز می شمارند و لباس و قیافه ی زشت و زننده را وسیله ی گشودن عقده قرار داده اند.

### دقت مرد به حجاب همسرش

قال علی (علیه السلام): صیانه المرأة انعم لحالها و ادوم لجمالها. ۱ حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: حفظ، حراست، پنهان کردن و دور داشتن زن، از نامحرم بهترین نعمت و خوشبختی برای اوست و زیبایی، دلربایی و جذابیت او را گسترش می دهد. وقتی زن خود را از هر مرد نامحرمی پنهان کرد و تمام زیبایی ها و دلربایی هایش را به شوهر ارائه داد و عملاً به همسرش فهمانید که به مردی غیر از او فکر نمی کند، و آن مرد باور کرد که همسرش به او ----- -- ۱- غرالحکم، فصل ۴۴، حکمت ۱۰. عشق می ورزد؛ خداوند تبارک و تعالی مهر، محبت و عشق او را در قلب شوهرش افزایش می دهد و چنان در قلب او جای می گیرد که هنگام خروج از منزل، همی در فکر پایان دادن کار و بازگشت به منزل و در کنار معشوق به سربردن است. بر خلاف زنی که به خواسته های شوهر اهمیت نداده و به دلخواه خود عمل می کند و عملاً باعث بی میلی، دلسردی و دوری شوهر از خانه و زندگی می شود و با مخالفتهای خود، شوهر را به جای دیگر مایل می سازد. نکته ی مهم و قابل توجه بانوان (که در جای خود مشروح و مفصل بحث شده) اینکه هرگاه دیدید مردی نسبت به حجاب و پوشش همسرش خیلی دقیق و حساس است و مرتب به او تذکر می دهد: «صورتت را خوب بگیر؛ موهایت پیدا نباشد؛ دستهایت را کاملاً بپوشان؛ چادرت نازک نباشد؛ اندامت رابه طور کامل بپوشان؛ مانتوی تنگ و کوتاه بپوش، زیرا هر لحظه ممکن است چادرت پس رود و قسمتی از اندامت نمایان گردد؛ فلانی چشم چران است، مواظب باش و خود را از نظر او پنهان دار؛ با نامحرم حرف مزین و اگر لازم بود به حداقل اکتفا کن؟ حق نداری با



زینت و آرایش در مقابل نامحرم رفت و آمد کنی؛...» و بالاخره از آن رو که همسرش را خیلی دوست دارد و نسبت به او عشق می‌ورزد، حاضر نیست دیگران دستها و اندام و... او را ببینند. مردی که اینگونه از ناموسش حفاظت می‌کند، بر این عقیده است که خداوند تبارک و تعالی این زن را مخصوص او قرار داده و چیزی که مخصوص او شده به هیچ نحو نباید دیگران در او شریک شوند؛ اگر چه با نگاه کردن و حرف زدن با آن زن باشد. به هر حال همسر چنین مردی باید در حد عالی، قدر شوهرش را بداند و با گشاده رویی و خرسندی زایدالوصفی از تذکرات شوهرش استقبال نماید تا مهر و محبت او در قلب شوهرش افزایش یابد و سعادت دنیا و آخرت را با رضایت شوهر حاصل نماید. و اما اگر دیدید مردی در امور فوق چندان اهمیت نمی‌دهد و همسرش را به حال خود گذاشته که هر طوری دلش می‌خواهد عمل کند؛ معلوم می‌شود چندان علاقه‌ای به همسرش ندارد. همچنین اگر دیدید زنی به خواسته‌های شوهرش جواب مثبت داد و خواسته‌های او را برآورده ساخت، بدانید که آن زن شوهرش را خیلی دوست دارد و با جواب مثبت به خواسته‌های او، هر لحظه مهر و محبت خویش را در دل شوهر افزایش می‌دهد. اما آن زنی که به خواسته‌های مشروع شوهر جواب منفی می‌دهد و مطابق با میل و سلیقه‌ی خود عمل می‌کند معلوم می‌شود چندان علاقه‌ای به شوهرش ندارد...

### گریه‌ی رسول خدا(صلی الله علیه و آله) برای زنان امتش

حسب نقل، (در حدیث معراجیه) حضرت علی(علیه السلام) فرموده‌اند: روزی من با فاطمه(علیها السلام) خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله) شرفیاب شدیم، دیدم آن حضرت به طور شدیدی گریه می‌کند. من گفتم: پدر و مادرم فدای شما باد یا رسول الله! چرا گریه می‌کنید؟ چه چیزی شما را گریان کرده؟ حضرت فرمود: ای علی! شبی که به معراج رفتم دیدم زنان امتم در عذاب شدید گرفتارند. از مشاهده‌ی حال آنان ناراحت شدم و اکنون به یاد آنان افتادم و این گریه‌ی من به حال زنان امتم می‌باشد که در عذاب شدید واقعی شده‌اند؛ زنی را دیدم: به موهای سرش آویزان بود و مغز سرش می‌جوشید. زنی را دیدم: به زبانش آویزان بود و آب جوشان در حلقش می‌ریختند. زنی را دیدم: به پستانهایش آویزان بود. زنی را دیدم: که گوشت بدنش را می‌خورد و از زیرش... آتش شعله‌ور بود. زنی را دیدم: دو پایش را به دو دستش بسته بودند و مارها و عقربها بر او مسلط بودند. زنی را دیدم: که کر و کور و لال در تابوتی از آتش بود و مغز سرش از سوراخهای بینی اش خارج می‌شد و بدنش از خوره و پیسی قطعه قطعه به نظر می‌رسید. زنی را دیدم: که با پای آویزان، در تنوری از آتش بود. زنی را دیدم: که بدنش را با قیچی آتشین قطع می‌کرد. زنی را دیدم: که دستها و صورتش می‌سوخت و مشغول خوردن معده و روده‌های خودش بود. زنی را دیدم: که سرش مانند خوک و بدنش مانند الاغ بود و هزاران عذاب گوناگون او را احاطه کرده بود. زنی را دیدم: که به صورت سگ بود و آتش از دبرش داخل می‌شد و از دهانش خارج می‌گردید، و فرشتگان با گرزهای آتشین بر او می‌نوختند. آنگاه فاطمه زهرا(علیها السلام) عرض کرد: عزیزم، نور چشمانم، مرا آگاه کن که آن زنان چه رفتار و کرداری داشتند، که خداوند این عذابهای دردناک را بر آنها قرار داده بود؟! رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمود: دخترم، آن زنی که به موهای سرش آویزان بود؛ زنی بود که موی سرش را از نامحرم نمی‌پوشانید. آن زنی که به زبانش آویزان بود؛ زنی بود که با زبان، شوهرش را آزار می‌داد. (مرتب نق می‌زد؛ غرلند میکرد؛ زخم زبان می‌زد؛ به شوهرش پرخاش می‌کرد؛ در مقابل فرزندان و دیگران او را سبک می‌کرد؛ به شوهر می‌گفت من از تو خیری ندیدم؛ من بدبخت شدم...) آن زنی که به پستانهایش آویزان بود؛ زنی بود که هرگاه شوهرش او را می‌طلبید امتناع میکرد. (به بهانه‌های واهی و بی‌اساس طفره می‌رفت؛ و به نیازهای جنسی شوهرش جواب مثبت نمی‌داد.) آن زنی که به پاهایش آویزان بود؛ زنی بود که بدون رضایت شوهرش از خانه بیرون رفته بود. آن زنی که گوشت بدنش را می‌خورد؛ زنی بود که برای مردم زینت و آرایش می‌کرد، یعنی برای شوهرش زینت نمی‌کرد اما وقتی می‌خواست از منزل بیرون رود و در مجلس عمومی شرکت کند با

زینت و آرایش کامل بود، چنین زنی در عالم پس از مرگ گوشت خودش را می خورد. آن زنی که دست و پاهایش را به هم بسته بودند و مارها و عقربها بر او مسلط بودند؛ زنی بود که به پاکی و ناپاکی اهمیت نمی داد و از نجاست پرهیز نمی کرد و از غسل جنابت و حیض و... دریغ می ورزید، به موقع نظافت نمی کرد، نمازش را سبک می شمرد و نمی خواند، چنین زنی عذابش این است که دست و پاهایش را می بندند و مارها و عقربها را به جان او می اندازند. آن زنی که کر، کور و لال بود؛ زنی بود (پناه به خدا می بریم) که بچه ای از زنا زائیده و به گردن شوهرش انداخته بود. آن زنی که گوشت بدنش را قیچی میکرد؛ زنی بود که خودش را به مردها ارائه می داد، و هر روز در دامن یکی بود. آن زنی که صورت و بدنش می سوخت و مشغول به خوردن معده و روده هایش بود؛ زنی بود که از راههای حرام، زنان و مردان را به هم می رسانید. آن زنی که سرش مانند خوک و بدنش مانند الاغ بود؛ زن سخن چین و دروغگو بود، یعنی آتش آور معرکه ی دیگران بود. میان دوشخص جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است آن زنی که به صورت سگ بود و آتش از دبرش داخل و از دهانش خارج می شد؛ زنی آوازه خوان بود. و در پایان فرمود: وای بر آن زنی که شوهرش از دست او ناراضی باشد و کاری بکند که شوهرش به خشم آید و ناراحت شود. و خوشا به حال آن زنی که شوهرش از دست او راضی و خرسند باشد. ۱. همه ی این حرف و سخنها درباره ی زنانی است که خود را انسان م دانند و به جهان بعد از مرگ اعتقاد دارند و... بنابراین ضروری به نظر می رسد این زنان، همیشه هنگام خروج از منزل فرمایشات رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در نظر بگیرند و خود را از نامحرم پوشانند و مواظب باشند تا آینده ی خود را تباه نکنند. اما زنانی که انسانیت خود را فراموش کرده و فقط به حیوانیت خود فکر می کنند و به قیامت معتقد نیستند خدا می داند چه به سرشان می آید. مگر اینکه از خواب غفلت بیدار شوند و توبه نمایند.

## مضرات بی حجابی و بی بند و باری

### اشاره

مضرات بی حجابی، بدحجابی و بی بندوباری را می توان به دو بخش تقسیم کرد: ----- ۱- البحار، ج ۸، ص ۳۱۰.

## بخش اول: ضررهایی که متوجه عامل و مرتکب آن می شود. بخش دوم: ضررهایی که متوجه جامعه و عموم مردم می گردد. بخش اول نیز به دو قسمت تقسیم می شود:

قسم اول: ضررهای جسمانی و دنیایی عامل و مرتکب آن قسم دوم: ضررهای روحانی، معنوی، اعتقادی و عقابایی عناوین مضرات جسمانی و دنیایی ۱- طغیان غریزه و شعله ور شدن آتش شهوت. ۲- پیری زودرس به طوری که در سن ۳۰-۳۵ سالگی اگر از مواد شیمیایی استفاده نکند به صورت ۴۰-۵۰ ساله می نماید. ۳- کم حوصلگی، پرخاشگری و... ۴- تجسس، پررویی، بی حیایی، بی پروایی؛ اول با اهل منزل و همنشینان، سپس به خارج منزل و سایر مردم. ۵- احساس خستگی و کوییدگی بدن پس از بازگشت به منزل. ۶- در برخی موارد لرزه و رعشه ی اندام.. (که جای شرحش اینجا نیست). ۷- در برخی موارد بی اشتهایی و بی میلی به غذا. عناوین مضرات روحی- معنوی و اعتقادی ۱- بحران، التهاب، اضطراب و آشفتگی روحی و روانی. ۳- تشویش خاطر و خیالهای باطل و شیطانی. ۳- بی خوابی و کسالت روحی و دیدن خوابهای شیطانی و کابوس... (در بعضی موارد) ۴- فراهم کردن عذاب دردناک برای عالم قبر، برزخ و قیامت. ۵- بی اعتقادی به خدا و قیامت و حرام و حلال. ۶- سرافکنگی و شرمندگی در مقابل خدا و خاندان وحی. ۷- تشنّت افکار و نامنظم کار کردن مخ. ۸- احساس حقارت و کمبود در همه ی امور یا در برخی از امور. ۹-



تقویت روح حیوانی و تضعیف روح انسانی. ۱۰- سرافکنندگی در مقابل وجدان درونی و نفس لوامه به خاطر چند لحظه خوشی کاذب. ۱۱- قساوت قلب و بی پروایی در ارتکاب گناه و دست زدن به گناهان بالاتر. ۱۲- افسردگی، کسالت روحی، بی نشاطی و بی معنا دانستن زندگی و سرانجام متوسل شدن به اعتیاد و... ۱۳- قساوت قلب در قانون شکنی و بی اعتنایی به قانون الهی و عرف متشرعه. و اگر زود از خواب غفلت بیدار نشود و ادامه بدهد کار به جای خطرناکی می رسد...

## اما مضرات بخش دوم

یعنی ضررهایی که از بی حجابی یا بدحجابی متوجه جامعه و عموم مردم می گردد: ۱- اولین و مهمترین آثار سوء آن در خانواده، طایفه و بستگان و محیط زندگی وی بروز می کند و مانند ویروس آلوده، دیگران را مبتلا می سازد. ۳- آلوده ساختن فضای سالم جامعه به سم مهلک، در قالب بوی خوش و عطر دل انگیز. ۳- ایجاد رعشه، تزلزل و اضطراب در بدن جوانان (که خدا می داند چه عذاب دردناکی در انتظار زنانی است که با لباس و قیافه ی زننده بیرون می آیند و بدن جوانان را می لرزانند). ۴- گمراه و منحرف ساختن مردان ضعیف الایمان. ۵- ترویج عملی از فساد و فحشا و گسترش آن در سطح جامعه. ۶- ایجاد اختلاف و نزاع بین خانواده ها تا مرز طلاق و فروپاشی. ۷- ایجاد نا امنی و به مخاطره انداختن موقعیت زن در جامعه. و موارد دیگری که از نگارش آنها معذوریم. تقسیمات فوق از حیث شرح و تفسیر سه دسته می شوند: دسته ی اول: دانستنی ها و ناگفتنی ها؛ یعنی اگر وارد بحث و بررسی آنها شویم به جایی می رسیم که اگر نگوییم موضوع همچنان مجهول و نامعلوم باقی می ماند و اگر بگوییم چون کتاب در دسترس عموم قرار می گیرد، ممکن است مورد سوء استفاده ی فرصت طلبان از خدا بی خبر که به فرموده ی قرآن قلوبشان مریض است، واقع شود و لذا به طور کلی وارد بحث آنها نخواهیم شد. دسته ی دوم: دانستنی ها و گفتنی های تخصصی (فقهی، کلامی، فلسفی، فیزیولوژی، پزشکی و روان پزشکی) هستند که چون عمومیت ندارند موجب اطاله یکلام و فایده ی کم می شود و با اختصار گویی ما سازگار نیست؛ لذا از شرح و بسط این دسته نیز صرف نظر می کنیم. دسته ی سوم: دانستنی ها و گفتنی هایی هستند که عمومیت دارند و در خور فهم همگان می باشند، لیکن به لحاظ رعایت اختصار برخی از آنها را متذکر می شویم.

## برخی از دانستنیها و گفتنیها

حجاب و کنترل غریزه امیر مؤمنان فرموده اند: من تسرع الی لشهوات تسرع الی الافات. ۱ آن که به تمایلات نفسانی خود تحت هر شرایطی جواب آری داد و در اجرای خواسته های نفس سرعت گرفت، او به سوی بلا و گرفتاری سرعت گرفته است. یعنی تمایلات نفسانی و غریزه ی جنسی چیزی نیست که با یک یا دو بار پاسخ مثبت، قانع شود و آرام بگیرد؛ بلکه تا آخرین نفس و تال لب گور و حتی در خانه ی قبر به خواسته های خود ادامه می دهد و هل من مزید می گوید و هر روز از باب لکل جدید لذت تقاضای جدیدی دارد. چنانکه قبلا اشاره شد (در پاسخ رفاقت دختر و پسر) ساختار فیزیکی زن اقتضا می کند که کاملاً پوشیده باشد؛ زیرا همانگونه که در بحث «تفاوت زن روسپی با همسر موقت»، بیان کرده ایم، بدن انسان ----- ۱- غررالحکم، کلمه ی ۹۲۶. حرارت، هاله و ترشحاتی دارد که به تناسب حالات و فعل و انفعالات وی، بروز می کند. این امور در وجود مرد خفیف و ضعیف است، اما در زن به جهت این که مواد زمینی در بدن او بیش از مرد است و قوه ی مغناطیسی او قوی تر و گسترده تر است و در دوران بلوغ و بحران جوانی به مراتب بیشتر، عمیق تر و احساس برانگیزتر خواهد بود؛ لذا خیلی دوست دارد لباسش خفیف و در صورت امکان بدون لباس یا با کمترین پوششش باشد. به هر حال به استناد روایت فوق، هر زن یا مردی که به تمایلات نفسانی پاسخ مثبت بدهد و تحت هر شرایطی خواسته های آن را برآورده سازد، به همان اندازه نیروی حیوانی خود را تقویت نموده و از انسانیت فاصله گرفته و به هلاکت نزدیک می شود. پس آن انسانی که به فکر سعادت و سلامت دنیا و آخرت خویش باشد موظف است

تمایلات نفسانی را تحت کنترل عقل و دین درآورد و از راه مشروع و حلال، خود را ارضا کند و؛ آینده‌ای درخشان برای خود تدارک ببیند. به عبارت روشن‌تر: هر زنی که نسبت به پوشش و حجاب کامل بی‌اعتنا شود و این فریضه‌ی الهی را نادیده بگیرد و به پیروی از هوی و هوسهای شیطانی با وضع نامناسب و لباس زننده بیرون آید، به همان اندازه غریزه‌اش طغیان می‌کند و باعث عذاب و شکنجه‌ی روح و جسم وی می‌شود و سرانجام او را به دام گناه و معصیت الهی گرفتار و هلاک می‌سازد. هر چه بدحجابیش بیشتر و بدتر، عذاب و شکنجه‌ی دنیا و آخرتش بیشتر و سخت‌تر خواهد بود.

### برهنگی زن و پر مو شدن بدن او

از آنجاکه احکام اسلام از روی حکمت و به صلاح و مصلحت انسان وضع شده؛ لذا می‌بینیم هر روزی که به عمر اسلام افزوده می‌گردد و دانش و پژوهش انسان رشد و نمو می‌کند و دانشوران جهان در شناخت احکام الهی غور می‌نمایند، هر روز تازه‌تر از تازه‌تری را کشف کرده و به عظمت و گرانسنگی اسلام پی می‌برند و این پی‌بردنها اندکی از انبوه و قطره‌ای از دریاست. مع ذلک چه باید کرد که ما مسلمانان نه خود را شناخته و باور کرده ایم و نه اسلام عزیز را شناخته ایم؛ بلکه در اثر جهل و نابخردی، عزت، عظمت، جلال و کرامتی را که اسلام به انسان داده نادیده می‌گیریم و تحت عنوان مد و نوآوری شخصیت و انسانیت خود را زیر سؤال می‌بریم. مثلاً خداوند تبارک و تعالی وجود مادی و بشره‌ی زن را ظریف، لطیف، صاف، شفاف، درخشان و اندامش را به صورتی خاص آفریده سپس نیز طبیعتش را چنین قرار داده که برای جلب، جذب و تسخیر قلب مرد خود را زیبا و قشنگ بنماید تا از این طریق باعث تحریک و تهییج مرد به تشکیل خانواده و بقاء نسل بنی آدم شود. سپس برای حفظ و حراست از این موهبت‌ها به او دستور داده خود را کاملاً بپوشاند تا امتیازات و ویژگیهای او همچنان صحیح و سالم و محفوظ بماند و تداوم داشته باشد. لیکن برخی از زنان در اثر نابخردی، نابوری، خودناشناختی و تقلید کورکورانه این حکم الهی را نادیده گرفته و با میل و اراده‌ی خود کاری می‌کنند که بدقیافه، زشت، بدترکیب، بدریخت و بدقواره می‌شوند. به عبارت روشن‌تر اکنون پس از ۱۴۰۰ سال در علم پزشکی و تشریح بدن انسان این حقیقت آشکار گردیده که بی‌حجابی و برهنه بودن اعضا و اندام زن باعث رویش مو و پر مو شدن بدن، زیاد شدن چربی، شل شدن اعضا و بدریخت و بدقواره شدن اندام وی می‌گردد. این حقیقت در کتابهای تشریح و آناتومی انسان به طور کامل و مشروح بیان شده؛ لیکن برای ارج نهادن به مقام والای علم و شهادت و تشویق خانمها به خواندن کتاب «حجاب» شهید بزرگوار دکتر سید رضا پاکنژاد (که امید است روح پاکش با اجداد طاهرینش محشور گردد) چند فراز از آن را نقل می‌کنیم. \*... تا زن نفهمد برهنگی رانش سبب می‌شود پاهایش پر مو شود، چربی ضخیمتر و اسلوب زیبایی رانهایش به هم بخورد، فرار از خواست مرد برایش امکان ندارد... \*... و این دانسته شده که اگر زن بازو و رانش را برهنه کند، مو می‌روید و چربی انباشته می‌شود و بدقواره میگردد... ص ۸۶ \*... تا چند روز پیش بر این بودم که فهرستی از مدارک و اسنادی بیاورم که همه گویای این مطلب بود که پودرها، رنگها، آرایشها و... زیبایی زن را به قهقرا می‌برد. اما از بس نوشته و درج شده دیدم گفتم تعطیل بردار نیست. و باز هم خواهند نوشت و نام مطلق روزنامه‌ها و مجلات مخصوصاً آنها که درباره‌ی نسوان و دختران است به عنوان آدرس و سند تقاضا می‌نمایم تا خوانندگان تیرها را بخوانند و عناوین را نگاهی بنمایند تا یقین کنند اوضاع چقدر برای بعضی بی‌نمک و جهت برخی شور شده که طرفداران بی‌حجابی همه می‌نویسند برهنه شدن زنان در راس همه عواملی قرار دارد که زیبایی زن را به قهقرا می‌برد... \* - اگر کسی کتاب مرا و آنچه کتاب درباره‌ی عدم امکان تساوی زن و مرد نوشته شده کنار بگذارد و تنها به خواندن مطالبی بپردازد که زن به مرد بگوید و مرد به زن؛ مرد زن را به علت ابتلا و آلودگی به رنگها و پودرها و برهنگی، زشت و مسخ شده می‌خواند، و زن مرد را متهم میکند که با جلفی و مدیستی و چشم چرانی... وقار و مردانگی خود را از دست داده و سبک نشان می‌دهد... ص ۸۸ بر زن لازم است خود را بپوشاند؛ آیات قرآنی و روایات اسلامی مطلب را

جدی گرفته و پوشاندن زن را به نحوی خاص در برابر اجنبی واجب، و ترک آن را حرام دانسته اند و علم نیز بر این مطلب صحه می‌گذارد. \* - حق زن از داشتن پوشاک اسلامی تضييع نشده است؛ بلکه این احقاق حق اوست، زیرا پوشاک مورد نظر حافظ زیبایی زن و حائل بین ناموسِ جاذبی وی با قاموس هرزگی مردان بیمار دل است و داشتن حجاب اسلامی فراهم ساز هیچگونه رادع و مانع رسیدن به حقوق زنانگی نمی‌باشد. زیبایی زن و ارتباطش با پوشاک: برهنگی زن در برابر محیط گرم یا سرد سبب به هم خوردن تعادل چربی‌های زیر پوست و موهای قسمت مربوطه و... شده، صافی، لطافت و ظرافت عضلات را مبدل به ناهمواری و مردانه شدن آنها می‌سازد و زیانهای بهداشتی فراوان دیگری که شرح دادم خواهد داشت. ص ۹۶ خلاصه اینکه حجاب اسلامی مانع کاهش زیبایی و افزایش الودگی او و انحطاط اجتماع است. ص ۹۸ نکات بسیار مهم و قابل دقت این پژوهش پزشکی این پژوهش پزشکی از ابعاد مختلف قابل بحث و بررسی است که فعلاً از مجال بحث ما خارج است؛ لیکن از باب نمونه به چند نکته ی بسیار مهم که عمومیت دارد اشاره می‌کنیم. نکته ی اول: این پژوهش پزشکی بیانگر این حقیقت است که تمام احکام اسلام از روی حکمت وضع شده و تماماً به نفع و مصلحت انسان است. نکته ی دوم: این تحقیق پزشکی هشدار مهمی است به زنان و دختران جوان که بی‌حجابی و نیمه‌عریانی چه عواقب وخیم و ناپسندی دارد؛ از جمله بدریخت و بدقواره شدن اندام و پیامدهای دیگر. نکته ی سوم: این پژوهش علمی هشدار است به آن دسته از زنان و دخترانی که به انحاء مختلف دستها و... خود را در معرض دید اجانب قرار می‌دهند و از پوشانیدن آنها دریغ می‌ورزند؛ یعنی کسانی که مرتکب این معصیت الهی می‌شوند باید در انتظار پر مو شدن دستها و پیامدهای ناگوار آن هم باشند. نکته ی چهارم: این پژوهش هشدار است به مادرانی که دختران خود را از کودکی برهنه و نیمه‌عریان پرورش می‌دهند و از روی هوی و هوس و یا نادانی، زیبایی‌های فرزندشان را به زشتی و ناپسندی و بدریختی تبدیل می‌نمایند. نکته ی پنجم: این تحقیق پزشکی بیانگر این حقیقت است که خداوند تبارک و تعالی در نظام خلقت چنین مقرر کرده که بشره ی زن صاف، صیقلی و درخشان باشد و نیز اندامش زیبا، خوش‌قواره و خوش ریخت باشد و همه ی این‌ها را جزء محسنات زن دانسته است. کما این که پر مویی، کدری، بدقوارگی و بدریختی او را از عیوب و نواقص زن دانسته است. در این صورت هر زن عاقل و فهیمه‌ای حتی الامکان سعی میکند خوبی‌ها را برای خود فراهم آورد نه زشتی‌ها و ناپسندی‌ها را. نکته ی ششم: این پژوهش علمی به وضوح می‌رساند که تنها راه حفظ و حراست زن از موهبتهایی که خداوند به او ارزانی کرده در سایه ی حجاب و پوشش کامل تحقق می‌یابد.

### زنان نیمه‌عریان و رونق بازار وسایل مصنوعی زیبایی

نکته ی هفتم: شاهد زنده و مؤید این پژوهش پزشکی این است که زنان بی‌حجاب و نیمه‌عریان در کشورهای غربی و غیره در اثر برهنگی و نیمه‌عریانی به عیوبات و نواقص فوق‌مبتلا شده‌اند، به طوری که اگر چند روز به خود نرسند شکل و شمایل بدنما، تنفرآمیز و مشمئزکننده پیدا می‌کنند و لذا برای رفع این بلیه و عیب بدنی مرتب به انواع پودرها، پمادها، رنگ‌ها، تیغ‌ها و وسایل مصنوعی متوسل می‌شوند تا شاید چند روز یا چند ساعت قیافه ی بدنمای خود را خوب جلوه دهند. کسانی که اهل مطالعه هستند و جراید و مجلات را می‌بینند به این واقعیت واقف شده‌اند که همین زنان، بازار وسایل زیانمایی مصنوعی را رونقی خاص بخشیده‌اند و لذا می‌بینیم کارخانه‌های مربوطه چه تبلیغات گسترده‌ای را برای بی‌حجاب کردن زنان و مبتلا ساختن آنان به این پدیده ی ناگوار به راه انداخته‌اند. نکته ی پایانی این که این پژوهش علمی نکات ظریف و دقیقی را دربردارد که برخی از آنها را در ذیل عناوین گذشته به طور اجمال متذکر شده ایم و برخی دیگر از جمله دانستنی‌ها و ناگفتنی‌هایی است که منحصر به انجمن‌های علمی است و نباید در کتابی که در دسترس عموم قرار می‌گیرد مطرح نمود، لذا به طور کلی از بیان آنها صرف نظر نموده و به آنچه قابل طرح در سطح عموم بود بسنده کردیم. یک ایراد سطحی به این تحقیق علمی و جواب آن در اینجا ممکن است گفته شود

این حرف که برهنگی سبب پر مو شدن و بدریخت شدن زن می شود کلیت ندارد؛ چون افرادی را دیده و می شناسیم که از بدو تولد پشمالو و پرمو به دنیا آمده اند... جواب اینکه اولاً: این افراد بسیار نادر، معدود و انگشت شمارند و ناقص مصالح عامه نمی شوند. به عبارت روشن تر: برخی از دختران و زنان بوده و هستند که خود ناخواسته و علی رغم میلشان ریش و سیبیل درمی آورند که برای رفع این عیب ظاهری در عذابند و به انواع وسایل مصنوعی متوسل می شوند. لیکن این یک زن غیر طبیعی نمی تواند ملاک شود و حکم طبیعی هزاران هزار زن دیگر را نقض کند؛ بلکه احکام الهی بر مصالح عامه وضع گردیده است. ثانیاً: غیر طبیعی بودن این افراد مربوط به مادر و زمان بارداری و تغذیه ی او می شود؛ زیرا بی نظمی و بی توجهی به اطعمه و اشربه در آن دوران حساس، روی جنین اثر می گذارد که پس از ولادت ظاهر می گردد؛ یعنی مادر دلسوز و مؤدب به آداب و اخلاق اسلامی موظف است از بدو انعقاد نطفه نهایت دقت را در اطعمه و اشربه ی خود به عمل آورد و در آن دوران حساس از مصرف بسیاری از خوراکیها پرهیز نماید تا فرزندی طبیعی و معمولی به دنیا آورد و چنانچه این آداب و اخلاق اسلامی را رعایت نکرد و هر نوع اطعمه و اشربه ای را مصرف نمود طبعاً فرزندی غیر عادی خواهد زائید. بنابراین کسانی که پشمالو و پرمو زائیده شده یا می شوند استثنایی هستند از افق بحث ما خارجند. ثالثاً: پر مویی مادرزادی رشد چندانی ندارد و در مرور زمان یا به طور کلی زایل می شود یا در حد بسیار زیاد کاهش می یابد؛ بر خلاف موهایی که در نوجوانی و بلوغ در اثر برهنگی و نیمه عریانی می روید و مرتب رشد کرده و چنانچه به موقع زایل نشود به صورت وحشتناک و نفرت انگیز درمی آید. رابعاً: چنانکه قبلاً- پیامدهای برهنگی و نیمه عریانی را شرح دادیم، ضررهای آن منحصر در رویدن موی او نمی شود، بلکه پیامدها و مضراتی دیگر نیز در بردارد (مجدداً مراجعه شود). خامساً: همین خارق العاده بودن برخی از نوزادان بهترین دلیل بر این است که در نظام خلقت چنین مقرر شده که بشره ی زن ظریف، لطیف، صاف، صیقلی و درخشان باشد و اندامش به تناسب بشره اش جذاب و دلربا باشد و برخلاف آن غیر طبیعی، ناقص و معیوب محسوب می شود. بنابراین زنی که با میل و اختیار خود کاری کند که اندامش غیر طبیعی جلوه کند، قطعاً از حیث عقل و درک کمبود دارد و باید به روان پزشک مراجعه کند.

### برهنگی و کاهش حس لامسه

همانگونه که در بحث همسر موقت (جلد ۶ نسخه ی جوان و...) متذکر شده ایم از جمله تفاوت‌های موجود در بدن زن و مرد، ضعف حس لامسه ی زن می باشد. یعنی طبیعت زن چنین آفریده شده که حس لامسه ی او ضعیف تر از حس لامسه ی مرد است و در اینجا اضافه می کنیم چون بشره ی زن مانند گل خانگی به قدری ظریف و لطیف آفریده شده که با اندک بی توجهی و در معرض هوا، باد و نور خارجی قرار گرفتن سریعاً تغییر حالت داده و به صورت غیر طبیعی درمی آید، لذا باغبان این گلخانه موظف است در حد توانش از این گل حفظ و حراست نماید و از هرکاری که موجب فرسودگی و از دست دادن لطافت و ظرافت و عطر آن می شود جلوگیری نماید. بر همین اساس وقتی زن حجاب اسلامی را رعایت نکرده و مرتب اندام ظریف و لطیف خود را در معرض نور، باد و هوای آزاد و... گذاشت، طبعاً منفعل شده و ظرافت و لطافت طبیعی خود را از دست می دهد و آن حس لامسه ی کمی که داشت همچنان کاهش می یابد و در نتیجه ی این عمل جاهلانه و نابخردانه در مرور زمان از لذت این موهبت الهی محروم و بی نصیب می گردد. بنابراین یکی از منافع بسیار مهم و ارزنده ی حجاب و پوشش اسلامی حفظ و حراست تکامل از حس لامسه و تقویت آن می باشد. که در زمان و مکان مناسب بسیار لذت بخش و فرح آفرین است که اهل فن می دانند و... در این زمینه داستانها، حکایتها و مثالهای فراوانی وجود دارد که نقل آنها به جاهای باریک و گفتن ناگفتنی‌ها منجر می گردد، لذا مطلب این عنوان را با یک مثال و یک رباعی خاتمه می دهیم. اما مثال: زن یا دختری که همیشه پوشیده و در طول عمرش هیچ تماسی با نامحرم نداشته، چنانچه اتفاقی رخ دهد که دست نامحرم به او برسد گویی برق او را گرفته؛ چنان بدنش می لرزد؛ آب در دهانش

خشک می‌شود؛ طپش قلبش افزون میگردد و نفسش به شماره می‌افتد و تا چند ساعت بلکه تا چند روز حالت غیر طبیعی پیدا میکنند... اما زنی که مرتب با نامحرم در تماس بوده و هست این گونه رخدادها برای او طبیعی است و کمترین اثری در وجود او نمی‌گذارد... اما رباعی؛ دل گفت مرا علم لُدئی هوس است تعلیم نما اگر تو را دسترس است گفتم که «الف» گفت گر هیچ مگوی در خانه اگر کس است یک حرف بس است

## علل و اسباب بدحجابی و بی بند و باری

اکنون که عناوین مضرات بدحجابی و بی حجابی را به طور اجمالی دانستید، جادارد عناوین و اسباب گرایش و گزینش این فرهنگ منحط و غلط را نیز بدانید. ۱- بی ایمانی یا ضعف ایمان و عدم اعتقاد به خدا و قیامت. ۲- فرهنگ خانواده و نحوه ی سیر و سلوک و نشو و نما ی پدر و مادر. ۳- عقده ی حقارت و نداشتن شخصیت لازم. ۴- عقب ماندگی؛ یعنی وقتی به برخی از آنان بگویی چرا با این وضع بیرون آمده ای، جوابی می‌دهد که معلوم می‌شود آن بیچاره کمبود دارد... ۵- نادانی، خودناشناختی، خودناباوری دینی و اجتماعی. ۶- بی تدبیری و جهل به عاقبت عمل. ۷- محیط مدرسه و محل سکونت. ۸- معلم و استاد و تعلیم و تربیت. ۹- تقلید کورکورانه و پیروی از الگوهای ناهنجار و منفی به جای الگوهای مثبت و مشخص. ۱۰- زیبایی طلبی از بیراهه و پندار غلط. ۱۱- دشواری شرایط ازدواج و طغیان‌گریزه ی جنسی و سلب تفکر صحیح. ۱۲- ابراز شخصیت از طریق غلط و نامناسب. ۱۳- جهل به احکام حجاب و عدم آگاهی از محسنات و مزایای آن. ۱۴- تهاجم فرهنگی و نوشتنیدن سم کشنده به عنوان بهترین نوشابه ی دنیا. ۱۵- رفیق ناباب، دوست نادان یا دشمن دانا در نقاب دوست روشنفکر. بابدان کم نشین که صحبت بد آدمی زاده راپلید کند آفتاب به این بلندی را لکه ی ابرنایدید کند ۱۶- روشنفکرگرایی بدون دقت در معنا و مفهوم این واژه ی مقدس. ۱۷- فیلمها، روزنامه ها، مجلات، رادیو، تلویزیون، ماهواره ... و پخش مصاحبه ها، مناظره های حساب نشده یا با محاسبه ی غلط. ۱۸- برگزاری اردوهای دانش آموزی و دانشجویی بدون حساب و کتاب و بدون دقت در فرهنگهای مختلف. ۱۹- جهل به تفسیر آزادی و سوء استفاده از این واژه ی مقدس با تفسیر غلط به هرج و مرج و بی بند و باری. ۲۰- تبلیغ بی حد و حصر و خارج از محدوده ی شرع مقدس، درباره ی شرکت کردن زنان در همه ی امور، حتی اموری که با طبع و ساختار فیزیکی زنان سازگار نیست. ۲۱- تشجیع، ترغیب و تحریص دختران و زنان به صورت فراگیر در سراسر کشور به ورود در عرصه های مختلف اجتماعی و اقدام به هر کاری، اگر چه متناسب با آنان نباشد. ۲۲- توجیه نبودن دختران و پسران از عواقب وخیم و نکبت بار بی بند و باری که می‌بایست از طریق معلمین و اساتید در هر رشته و تخصصی صورت بگیرد. ۲۳- خارج نمودن پدران و مادران از مدار پند و اندرز دادن به فرزندان با تبلیغات مسموم. ۲۴- آثار وضعی ارتزاق از راه حرام و بی اعتنایی به این امر مهم. ۲۵- ارثیه و آثار ژنتیکی که به فرموده ی معصومین تا چندین نسل مؤثر است. ۳۶- سابقه و عملکرد پدر و مادر در گذشته و انعکاس آن در فرزند (هر چه کاشتی همان را درو خواهی کرد). ۳۷- مطالعه ی بی نظم و بدون راهنما و پرداختن به کتابها و مجلات منحرف کننده. ۳۸- غرور و خود بزرگ بینی به خاطر چند کلاس درسی که خوانده اند و عدم توجه به راهنمایی دیگران. ۳۹- تفاوت استعدادها و بی تفاوتی پدر و مادر در این رمز آفرینش. ۳۰- ممانعت شدید از تعدد زوجات به وسیله ی قرار دادن شرایط سخت و دشوار. توضیح مورد آخر اینکه قانونگذاران بدون کمترین توجهی به نیازهای فطری انسان و مشکلات عدیده ای که دامنگیر خانواده های مؤمن و متدین می‌شود، قوانین دست و پا گیر و شرایط عدیده علیه تعدد زوجات وضع کرده اند و همین امر به گسترش فساد و بی بند و باری کمک کرده و می‌کند. به عبارت روشن تر از آنجا که بسیاری از خانمها مریض اند و از برآوردن نیازهای شوهر معذورند. و نیز بسیاری از زنان در اثر سردی مزاج یا علل دیگر تمایل به پاسخ دادن به شوهر ندارند. و عده ای دیگر نیز در اثر حیاء حُقم و بهانه های نامعقول از پاسخ به تمایلات شوهر طفره می‌روند. و همچنین به موازات این گروه از خانمها، عده ی بسیاری شوهر مرده، مطلقه و دختران مسن



هستند که در خانواده های نجیب، مؤمن و پاکدامن زندگی میکنند و نیاز مبرم به شوهر دارند. در مقابل این دو گروه از زنان، مردانی هستند که با مشکلات فوق (مریضی و بی میلی همسرانشان) مواجه هستند؛ لیکن به خاطر همان شرایط سخت و دشوار نمی توانند به طور رسمی و قانونی زن دوم یا سوم بگیرند؛ لذا مرتکب حرام می شوند... بنابراین وقتی چند مرد یا زن لا ابالی و قانون شکن که از تعدد زوجات سوء استفاده کرده اند را ملاک و میزان قرار داده ایم و احکام سراپا خیر و مصلحت اسلام را نادیده گرفته و قانون اسلام را محدود نموده و مصلحت عامه را فدای مصلحت خاصه نمودیم، جز این انتظار نمی رود که فساد و فحشا گسترش یابد.

### منشأ همه ی علل و اسباب مفاسد اجتماعی

با یک محاسبه ی دقیق و ارزیابی از مفاسد اجتماعی در اعصار گذشته و حال و مقایسه ی مردم آن روز با مردم امروز و اینکه چرا در زمان ما فساد و فحشا به صورت نامعقول و غیرطبیعی گسترش یافته، یک نتیجه ی مهم و در عین حال نگران کننده به دست می آید و آن اینکه در اعصار گذشته امر به معروف و نهی از منکر در سطح عموم رایج و معمول بوده ولی امروزه این فریضه ی الهی به فراموشی سپرده شده است. به عبارت روشن تر در گذشته چنین بود که هر مسلمانی در هر مقام و مرتبه و در هر لباس و شغلی بود به خصوص بزرگان قوم و معمرین، مقید بودند حتی الامکان دیگران را هدایت کنند، و به همین خاطر تجربیات تلخ و شیرین خود را به جوانان می آموختند تا مواظب خود باشند. لیکن باکمال تأسف و تأثر این فریضه ی حیات بخش الهی در عصر حاضر نه تنها کم رنگ و بی رونق شده؛ بلکه به طور کلی به رحمت ایزدی پیوسته و این نگون بختی جامعه تا آنجا پیش رفته که اگر کسی اقدام به زنده کردن آن بنماید، مورد اتهام اطرافیان قرار می گیرد و از جایی حمایت نمی شود. بنابراین وقتی برخورد ما با این فریضه ی الهی چنین است و سیر و سلوک ما برخلاف فرموده ی خدا و تمام انبیاء و اولیاء الهی و معصومین از صدر خلقت تا کنون صورت میگیرد، چه انتظاری بهتر از این می توان داشت. وقتی ما این فریضه ی حیات بخش را که مقید به زمان و مکان و شخص نیست محدود به ده روز اول محرم میکنیم (که مسیحیان، یهودیان و حتی لامذهبها به احترام امام حسین (علیه السّلام) خلافکاری های خود را کاهش می دهند)؛ چه انتظاری بهتر از این که هست می رود. در صورتی که اگر هر مسلمانی در هر شغل و مقامی، خود را مکلف به انجام این فریضه ی حیات بخش بداند و هر عیب و خلافی را که از برادر و خواهر مسلمان خود دید با صداقت و محبت و با شیوه و بیانی محترمانه و به دور از هو و جنجال و... به او بگوید و دیگران نیز او را تایید و حمایت کنند، آن وقت خواهید دید که ۷۰-۸۰ درصد مفاسد اجتماعی برطرف خواهد شد و یک فضای معنوی و ملکوتی به وجود خواهد آمد.

### بخش پایانی و پاسخ اجمالی به چند سؤال

با توجه و دقت کامل به مجموع آیات و روایات، حکایات و مثالهایی که در این کتاب متذکر شده ایم، احتمال نمی دهم که سؤالی در رابطه با حیا، عفت، عصمت و حفظ و حراست مقام والای زن بی پاسخ مانده باشد؛ در عین حال چون برخی پرسش ها مکرر سؤال شده به صورت اجمال پاسخ می دهیم. قبل از پاسخ اجمالی باید بگوییم اگر بنا باشد هر یک از سؤالات مطروحه را با استناد به آیات قران و روایات معصومین (علیهم السّلام) پاسخ دهیم، هر یک از آنها کتابی مستقل خواهد شد؟ یعنی آنچه ما در اینجا می آوریم نتیجه ای از فشرده ی آن است.

### سؤال۱- پوشش دختران خردسال

بسیار زیاد درباره ی پوشش دختران قبل از بلوغ و بیرون آمدن با پیراهن کوتاه و بی آستین و جوراب شلواری و سر برهنه سؤال

کرده اند. پاسخ: از آنجا که پاسخ این سؤال نیز ضمن کتاب آمده است؛ لذا به لحاظ پرهیز از اطاله یکلام با مطالب تکراری به دو پاسخ اجمالی از دیدگاه علم و دین اکتفا میکنیم. اما پاسخ علمی: چنانکه در بحث حجاب گذشت مادری که دخترش را نیمه عریان بیرون آورد با این کار جاهلانه و نامشروعش چند ضربه ی مهلک به زندگی فرزندش می زند. اول اینکه: سبب می شود بدن دخترش که باید ظریف، لطیف و صیقلی باشد پرمو، پشمالو و کدر شود.. دوم اینکه: با برهنه و نیمه عریان تربیت کردن دخترش سبب می شود او قبل از رفتن به خانه ی شوهر جذابیتهای فوق را از دست بدهد و از نظر فیزیکی نتواند شوهر را دلباخته ی خود کند. سوم اینکه: با نیمه عریان تربیت کردن دخترش، آتش به خرقة ی او زده و باعث می شود قوه ی لامسه اش را که از نیازهای مبرم زن است در حد زیاد کاهش یابد و در آینده از لذتهای قوه لامسه محروم گردد. (برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به بحث حجاب در همین جلد و همسر موقت در جلد ششم مراجعه شود) و اما پاسخ شرعی و مذهبی: از آنجا که پاسخ این مسئله از دیدگاه شرع مقدس اسلام گسترده است و از حوصله ی این کتاب خالی است، فعلاً به فهرستی از دهها آیه و روایت که درباره ی تربیت اولاد و ایجاد حیا، عفت و عصمت در روح و روان اطفال به ما رسیده بسنده می کنیم و قضاوت را بر عهده ی خودتان می گذاریم. در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السّلام) عناوین ذیل بیان شده است: ۱- امامان معصوم (علیهم السّلام) فرموده اند: در مقابل اطفال و کودکان خرد سال برهنه نشوید. ۳- امام رضا (علیه السّلام) فرموده اند: کودکان را از ۶-۷ سالگی به نماز وادارید و گاهی هم برسید نمازت را خوانده ای... یا بگویند چرا نمازت را نخواندی. (وسائل الشیعه) ۳- در روایات دیگر فرموده اند: دختران ۵-۶ ساله را از نشستن بر روی زانوی مرد نامحرم منع کنید. ۴- رسول خدا (صلّی الله علیه و آله) فرموده اند: بستر خواب بچه ها را از ۵-۶ سالگی (قبل از ده سالگی) جدا کنید. ۵- نیز فرموده اند: مرد نامحرم دختر ۵-۶ ساله را نبوسد و او را بر زانو نشانند. (مکارم الاخلاق) ۶- در مجلسی که امام رضا (علیه السّلام) شرف حضور داشتند، دختر کوچکی را به مجلس آوردند و مردهای حاضر در مجلس از باب محبت او را بر زانو نشانده و می بوسیدند. چون نوبت به آن حضرت رسید پرسیدند دختر چند سال دارد؟ گفتند پنج سال. حضرت او را رد کرد و نبوسید و روی زانوی خود نشانید. یعنی حلال و حرام و محرم و نامحرمی از همین سن باید به کودکان آموخته شود. ۷- در حدیث دیگر است که فرمودند: پسران، دختران ۵-۶ ساله را نبوسند و نیز پسر هفت ساله زنان را نبوسد. (حلیة المتقین) ۸- رسول خدا (صلّی الله علیه و آله) فرمودند: در مقابل بچه ای که در گهواره است و شما را می بیند جماع نکنید. (مستدرک) ۹- امام صادق (علیه السّلام) فرمودند: حلال و حرام- محرم و نامحرمی- را به کودکان ۷ ساله بیاموزید. ۱۰- در حدیث دیگر فرموده اند: دختر ۵-۶ ساله به طور برهنه با مادرش نخواست. ۱۱- امام صادق (علیه السّلام) فرموده اند: در مقابل اطفال و کودکان همبستر نشوید. ۱۲- خداوند تبارک و تعالی فرمود: به فرزندان ۵-۶ ساله بیاموزید سه وقت حساس (قبل از اذان صبح؛ نزدیک ظهر؛ اول وقت خواب شب که...) بدون اجازه و بی سر و صدا به اتاق خواب شما نیایند. ۱۳- و بالاخره از مجموعه ی آیات و روایاتی که درباره ی تربیت اولاد به ما رسیده ۱، این نکته ی مهم و ارزشمند به دست می آید که اسلام عزیز خواسته درخت شخصیت انسان را از زمان شیرخوارگی و طفولیت و کودکی بارور سازد و زیربنای انسانیت را که اشرف مخلوقات شمرده شده، در گهواره و کودکی محکم و استوار سازد. لذا ۱۴۰۰ سال قبل فرمود طفلی را که در گهواره است و زبان به سخن نگشوده مانند یک انسان کامل به حساب آورید و در مقابل چشم او همبستر نشوید که اثر بسیار نامطلوبی بر او می گذارد. -----

--- ۱- که برخی از آنها را در کتاب « برای همسران» نقل کرده ایم. اکنون بعد از ۱۴ قرن با این همه پیشرفتهای علمی، تازه فهمیده اند بچه ی شیرخوار اگر چه نمی تواند حرف بزند؛ لیکن خیلی چیزها را متوجه می شود و تشخیص می دهد و می فهمد. نتیجه ی فرمایشات معصومین با توجه و دقت کامل به فرمایشات معصومین درباره ی تربیت اطفال و کودکان، به این نتیجه ی مثبت می رسیم که اگر مادری دختر ۵-۶ ساله اش را با لباس جلف، زنده یا نیمه عریان و با جوراب شلواری و سر برهنه بیرون آورد، شخصیت فرزندش را پایمال کرده و ارزشی برای او قائل نشده و از این عمل او دو نکته ی مهم به دست می آید: اول اینکه: معلوم می شود

آن مادر نه خود را شناخته و نه شخصیت و کرامت انسانی خویش را درک کرده است. زیرا همانگونه که مکرر گفته ایم لباس و قیافه‌ی ظاهری نمودار شخصیت و فرهنگ خانوادگی افراد است. نکته‌ی دوم: از نظر روان‌شناسان ثابت شده چنین مادری خیلی دوست دارد خودش بی حجاب و نیمه‌عریان بیرون آید؛ لیکن از قانون و اعتراض مردم می‌ترسد؛ لذا عقده‌اش را به وسیله‌ی فرزندش گشوده و مافی‌الضمیرش را به منصفه‌ی ظهور می‌گذارد.

### پدر و مادری که شخصیت فرزندشان را لگدمال می‌کنند

نکته‌ی جالب این که بسیار دیده شده این گونه خانواده‌ها وقتی در مجالس عمومی شرکت می‌کنند و موقع خوردن غذا، میوه و شیرینی می‌شود، بدون توجه به ظرفیت بچه، بشقاب بزرگی را پر از غذا، میوه و شیرینی کرده و جلوی بچه می‌گذارند و او هم چه لوس بازی‌ها و بی‌ادبی‌هایی که از خود در نمی‌آورد و پدر یا مادرش هم در مقابل بی‌ادبی‌ها و بی‌تربیتی‌های او واکنشی از خود نشان نمی‌دهند و چه بسا از کارهای خالی از نزاکت او خندان و خوشحال هم می‌شوند!! هنگامی که مورد اعتراض دیگران واقع می‌شوند که این چه نوع تربیت و ادب کردن است؟! پاسخ می‌گویند: شخصیت بچه را در انتظار دیگران نباید خرد کرد، باید به او شخصیت داد... اما همین پدر و مادر هنگام بیرون آوردن دختر ۷-۸ ساله و بعضاً ۱۰-۱۳ ساله کمترین ارزشی برای او قائل نمی‌شوند و او را با لباس زشت و زننده و گاهی نیمه‌عریان بیرون می‌آورند و شخصیت فردی و اجتماعی او را لگدمال می‌کنند؛ به طوری که اگر فیلم زندگی او را بردارند و در آینده به او نشان دهند از خجالت و شرمندگی سرش را بالا نمی‌آورد. و هنگامی که این پدر و مادر مورد اعتراض واقع می‌شوند که چرا این دختر را در این سن با این وضع بیرون آورده‌ای؟ می‌گویند: این بچه است، چیزی سرش نمی‌شود، چیزی نمی‌فهمد! آیا این منطق است که یک بچه در سن ۳-۴ سالگی می‌فهمد و دارای شخصیت است و نباید شخصیتش خرد شود؛ ولی همان بچه در سن ۷-۸ یا ۱۰-۱۱ سالگی نمی‌فهمد و هنوز کودک است؟ یعنی برای شکم پروری که حیوانیت او را تأمین می‌کند بزرگ است و بچه نیست و همه چیز را می‌فهمد و شخصیتش باید محفوظ بماند؛ اما در امور اجتماعی و آداب، اخلاق، حیا، عفت، عصمت،... که مخصوص انسان است، با وضع زننده و خجالت‌بار (نیمه‌عریان و...) ظاهر شدن؛ بچه است، بی‌درک و بی‌شعور است و چیزی نمی‌فهمد. این وضعیت حضور در خارج خانه و محل ابراز شخصیت و تربیت آنان است؛ حال بسنجید که در درون خانه‌هایشان چه خبر است؟ یعنی دارندگان این طرز تفکر در مقابل معترضین نه تنها حاضر نیستند به اشتباه خود اعتراف کنند و عذرخواهی نمایند؛ بلکه برای توجیه کار خلاف شرع خود حاضرند فهم و کمال و شخصیت اجتماعی فرزندشان را لگدمال کنند. آیا از چنین مادرانی با این طرز تفکر و این فرهنگ و تربیت می‌توان انتظار داشت این دختر در آینده یک بانوی ایرانی (خانم امین ره) که مایه‌ی افتخار اسلام و ایران بود از کار درآید؟! و نیز اگر این دختر پس از سن بلوغ با پسران خیابانی رفیق شد و رفت آنجایی که نباید برود، آیا این پدر و مادر و فامیل حق دارند او را متهم و ملامت کنند یا باید خودشان را سرزنش و ملامت نمایند؟! به هر حال این قاعده‌ی کلی را بدانید که آنچه از مردم در خارج از منزلشان دیده می‌شود، نمودار فرهنگ و شخصیت خانوادگی آنان است که ماهیت و ذات خود را آن‌طور که هست ظاهر می‌کنند و به نمایش عمومی می‌گذارند.

### جنس مؤنث در تحریک مرد، کوچک و بزرگ ندارد

بعضی از افراد فکر می‌کنند که دختر کوچک یا خردسال؛ هیچگونه تأثیری در جذب و تحریک جنس مخالف ندارد و لذا دخترانشان را نیمه‌عریان و با وضع زننده بیرون می‌آورند؛ در حالی که جنس مؤنث در تحریک و تهییج مرد، کوچک و بزرگ ندارد و چه بسا مردانی که با رویت دختران خردسال به دام فساد و فحشا افتاده‌اند و نیمه‌عریان بودن دختران در تشدید این امر



نقش بسزایی داشته است. به عبارت زیباتر غنچه‌ی گل در زیبایی و دلربایی کمتر از گل نیست و در برخی موارد دلربایی و جذابیتش بیشتر از گل نیز می‌باشد. بنابراین پوشش معقول و مناسب تنها عامل بازدارنده از تهییج و تحریک مردان است.

## سؤال ۲- وضعیت برخی خانمها در مراسم عروسی

مکرر درباره‌ی رفتار و کردار برخی از خانمها در مراسم عروسی و جشنهای مولودی و مانند آن سؤال شده است. پاسخ- اولاً: مطالب این کتاب از اول تا آخر ناظر و پاسخگوی همین مسائل است. ثانیاً: همانگونه که در جای جای این کتاب گفته ایم، اگر مجدداً کتاب را با دقت مطالعه کنید به طور واضح درمی‌یابید که وضعیت ظاهری، نوع لباس و پوشش، رفتار و کردار افراد به سطح آگاهی و خودشناسی آنان برمی‌گردد؛ هر چه سطح آگاهی آنان بالاتر و موقعیت اجتماعی و خانوادگیشان ارزنده تر باشد به همان اندازه وزین تر، متین تر، باوقارتر و مشخص ترند؛ ولذا هر لباسی را نمی‌پوشند، هر حرفی را نمی‌زنند و هر کاری را که موجب پایین آمدن شخصیت آنان می‌شود انجام نمی‌دهند. کما اینکه هر چه سطح آگاهی و فرهنگ خانوادگیشان پایین تر و ضعیف تر باشد، به همان اندازه کارهای نامناسب و ناپسند بیشتر انجام می‌دهند. و جالب اینکه در اثر نادانی و خودناشناختی، گمان می‌کنند کار خوبی می‌کنند، به خصوص اگر چند نفر جاهل و هم سطح خودشان به تعریف و تمجید کارهایشان پردازند، آن وقت خواهید دید که چه ادا و اطوارهایی از خود بروز می‌دهند. به عبارت روشن تر\* - در مجلس امام حسین (علیه السلام) با لباس وزین و محترمانه شرکت کردن و مؤقر نشستن، چندان مهم نیست.\* - در مسجد و محافل دینی شرکت کردن و باوقار و سنگین و مؤدب بودن خیلی مهم نیست.\* - در مجلس بزرگان و شخصیت‌های وارسته شرکت نمودن و آداب و اخلاق اسلامی را رعایت کردن، چندان قابل توجه نیست؛ چون زمینه‌ای برای غیر آن آماده نیست و شخص شرکت کننده ناچار است خودش را با آن مجلس وفق دهد.\* - بلکه در مجلس عروسی و مولودی و مانند آن شرکت کردن و با لباس فاخر و آبرومند بودن مهم است.\* - در مجالس و محافل جشن و سرور شرکت کردن و آداب و اخلاق انسانی را در نظر گرفتن و از کارهای خارج از نزاکت انسانی پرهیز نمودن، مهم و ارزشمند است. در مجالس جشن و سرور رفتن و باوقار و متین بودن و هیبت و ابهت، عزت و شرافت انسانی را حفظ کردن مهم و با ارزش است؛ زیرا در اینگونه مجالس زمینه برای کارهای حرام و خلاف شرع و ادب انسانی آماده است؛ لیکن انسان فرهیخته، با شخصیت و دین مدار، نه تنها دست به کارهای ناشایست نمی‌زند؛ بلکه دیگران را که از کمالات انسانی غافل و بی‌خبرند آگاه ساخته و دستشان را گرفته از پرتگاه و سقوط نجات می‌دهد و با امر به معروف و نهی از منکر آنان را از ارتکاب حرام باز می‌دارد. هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد در اینجا ممکن است برخی از خودناشناخته‌ها و جاهلین به مقام والای انسانیت بگویند: مگر چه اشکال دارد تعدادی زن بدون وجود جنس مخالف با هر وضعی دلشان می‌خواهد بگردند؛ از نظر شرعی هم نگاه به بدن هم جنس بلامانع است؟ جواب اینکه: این حرف را با مثالهای متعددی می‌توان پاسخ داد، از جمله این که خیلی کارها هست که در زمان و مکانی نه تنها اشکال ندارد بلکه لزوماً باید آن طور عمل کرد. در صورتی که همان کار در زمان یا مکانی دیگر قبیح، زشت، ناشایست و ناپسند محسوب می‌شود و هر که مرتکب آن عمل شود عقل، شعور و شخصیت خود را زیر سؤال برده است؛ مثلاً حمام عمومی که محل نظافت و شست و شو است چنین اقتضا می‌کند که انسان به غیر از عورت بقیه‌ی بدنش برهنه باشد و نگاه به بدن همجنس هم اشکال ندارد؛ ولی اگر گروهی در غیر حمام و در جایی که جنس مخالف نیست، نیمه عریان و... باشند عقل، شعور، درک و شخصیت خود را زیر سؤال برده‌اند... بنابراین باید گفت هر سخن جایی، هر نکته مکانی دارد. یعنی هر کار جایز و بدون اشکالی را نمی‌توان در هر جا و هر زمان انجام داد؛ مجلس عروسی جای معرفی شخصیت انسان است و نه جای بی‌بندوباری و بی‌شخصیتی.

### سؤال ۳- رقص و رقاصی

عن رسول الله (صلى الله عليه و آله) أنه نهى عن الضرب بالدف و الرقص و عن اللعب كله، و عن حضوره، و عن الاستماع اليه،... حسب نقل رسول خدا (صلى الله عليه و آله) امت خویش را از تنبک زدن و رقصیدن و به طور کلی از بازی های شهوت انگیز منع فرمودند و نیز امت خود را از حضور در مجالس و محافل که منعیات فوق در آن انجام می گیرد و از گوش دادن به صدای آنها منع فرمودند.... کراً در باره ی رقص و رقاصی در مجالس عروسی و جشنهای مولودی و مانند آن سؤال کرده اند. با توجه و دقت در روایت فوق این قاعده ی کلی به دست می آید که اسلام عزیز از هر کاری که شخصیت انسان را خدشه دار کند و کرامت و شرافت او را زیر سؤال ببرد، نهی فرموده و عامل آن را به مواخذه و عقاب وعده داده است. ----- ۱-

مستدرک الوسائل، کتاب التجارة، ابواب مایکتسب به، ب ۷۹، حدیث ۱۴. بنابراین رقص و رقاصی از آنجا که لغو، لهو و باعث تحقیر و تصغیر انسان می شود از دیدگاه اسلام حرام و ممنوع است. و اما از دیدگاه اخلاقی و اجتماعی همانگونه که در جای جای این کتاب متذکر شده ایم، رقص و رقاصی بستگی دارد به شناخت و درک افراد؛ یعنی هر که مقام و منزلت انسانی خویش را- چنانکه خداوند تبارک و تعالی مقرر فرموده - بشناسد، هرگز دست به این کار نمی زند و با رقصیدن در انظار دیگران- که باعث تحقیر وی می شود و نشان دهنده ی سبک مغزی اوست- عزت، کرامت و شخصیت خود را زیر سؤال نمی برد.

### یک سؤال مضحک؛ مسخره؛ شیطانی و استعماری

اخیراً دیده، شنیده و پرسیده می شود: با توجه به اینکه رقص در اسلام حرام است آیا رقصیدن زن برای شوهرش نیز حرام است یا جایز است؟ اهل تفکر و تعقل اگر با دقت و ژرفنگری به این سوال بنگرند مسخره بودن و شیطانی و شاید استعماری بودن آن را مانند خورشید تابان در وسط ظهر ببینند. اولاً: تصوّر اینکه زن در خلوت و جایی که شخص ثالث حضور نداشته باشد برای شوهرش برقصد خیلی مضحک و مسخره می باشد؛ زیرا رقصیدن بدون استعمال آلات موسیقی که اکثراً حرامند و نیز بدون کف زدن و آواز خواندن تحقق نمی یابد؛ یعنی این استعمال آلات موسیقی است که طرف را به رقص و پایکوبی وامی دارد و چنان او را از خدا و قیامت غافل و بی خود می سازد که بعضاً در آن حالت مرتکب کارهای نامشروع می شود و خودش متوجه نیست. ثانیاً: اگر ما از تفکر و تعقل و منطق انسانی صرف نظر کنیم و چشم و گوش بسته بپذیریم که زنی بدون استعمال آلات موسیقی می تواند برای شوهرش برقصد؛ جوابش این است که وقتی بین زن و شوهر اسرار و مسائلی مطرح و فاش است که افشای آن برای پدر، مادر، برادر، خواهر و سایر محارم جایز نیست؛ یعنی سرپای وجود زن در اختیار مرد و سراسر وجود مرد در اختیار زن است؛ طرح مسئله ی رقص واقعاً حرفی مضحک و مسخره و... است. چون رقص در رتبه ی متأخر از اسرار بین زن و شوهر است و جایی برای این سؤال باقی نمی ماند به خصوص اگر برای تحریک شوهر باشد که به فرموده ی قرآن و عترت طاهره، زن می تواند برای جلب و جذب شوهر و تسخیر قلب او هر نوع ادا و اطواری را از خود بروز دهد... ثالثاً: شیطانی بودن و شاید استعماری بودن این گونه سؤالات از چند صورت خارج نیست. اول اینکه: طرح اینگونه مسائل یا از ناحیه ی دشمنان دانا و زیرک است که با چند واسطه به مؤمنین القاء می شود و آنان را به پاسخ طلبی از علما وامی دارند و هدفشان این است که از این طریق مسائل اسلامی را به مسخره بگیرند و در پشت سر در بوق و کرنا کنند که چه و چه دوم اینکه: یا از ناحیه ی دوستان نادان و بی درک است که لحظه ای به مسئله فکر نکرده و رقص را با اسراری که بین زن و شوهر مطرح است نسنجیده اند که جوابش را به روشنی بیابند... سوم اینکه: این گونه مسائل از ناحیه ی شیطانهای انسان نمایی مطرح می شود که به نحوی مجوز شرعی برای رقص زن را از علما بگیرند و در مواردی که ما از بیان آنها معذوریم و خودشان می دانند از آن بهره ی شیطانی ببرند...

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۴۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خود کار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

